

## سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم بر ایران

حسن یوسفی اشکوری به زندان بازگشت

جمعه 12 تیر 1383 - 2 ژوئيه 2004

حسن یوسفی اشکوری که هر 35 روز یکبار، پنج روز جهت درمان خود به مرخصی می‌آید، شب گذشته خود را به مسوولان زندان اوین معرفی کرد. محترم گل بابایی در گفت و گو با خبرنگار "ایلنا"، با بیان مطلب فوق افزود: پنج روز مرخصی همسرم جزو مرخصی استعلاجی وی محسوب می‌شود. وی در خصوص آزادی مشروط یوسفی اشکوری گفت: چون هنوز مدت زندان همسرم به نصف نرسیده است، با این درخواست ما مخالفت می‌شود. گفتنی است؛ حسن یوسفی اشکوری پس از رأی هیات تجدید نظر دادگاه ویژه روحانیت به اتهام توهین به مقدسات به چهار سال حبس و به اتهام شرکت در کنفرانس برلین به یک سال حبس محکوم شده بود.

## مواضع رژیم و جناحهای آن در مورد مهمترین تحولات ایران

بادامچیان: ما در موتلفه اسلامی در حال بررسی نسخه علاج برای کشور هستیم

جمعه 12 تیر 1383 - 2 ژوئيه 2004

گردهمایی دبیران استانها و شهرستانها و اعضای شورای مرکزی حزب موتلفه اسلامی در تالار شهید لاجوردی موسسه فرهنگی شهدای موتلفه اسلامی برگزار شد. بهع گزارش ایلنادر این گردهمایی حبیبالله عسگر اولادی دبیر کل حزب موتلفه اسلامی به تشریح سیاستهای کلان این حزب در انتخابات آینده ریاست جمهوری پرداخت. وی همچنین مطالبی در خصوص تغییر دبیر کلی این حزب بیان داشت که خبر این سخنان متعاقباً منتشر خواهد شد. در این گردهمایی همچنین اسدالله بادامچیان رئیس مرکز سیاسی حزب موتلفه اسلامی با اعلام آغاز فعالیت یک گروه کاری ویژه انتخابات ریاست جمهوری در مرکز سیاسی این حزب به سخنان عسگر اولادی اشاره کرد و گفت: ما در موتلفه اسلامی در حال بررسی نسخه علاج برای کشور و همچنین تیمی که توان اجرای آن برنامه را داشته باشد هستیم. وی اظهار داشت: انتخابات آینده ریاست جمهوری با دوره‌های قبل تفاوت قابل توجهی دارد. وی افزود: در این انتخابات چهره واقعی گروه‌های مختلف سیاسی برای مردم آشکار شده است و مردم متوجه شده‌اند چه گروه‌هایی به دنبال منافع خودشان و چه گروه‌هایی به دنبال منافع ملت و نظام هستند.

همچنین حسین انواری رئیس مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی حزب موتلفه اسلامی که با موضوع آسیب شناسی حزب سخن می‌گفت، اظهار داشت: حزب موتلفه به عنوان یک جریان فعال و اثر گذار در عرصه سیاسی کشور همواره در معرض آسیب‌ها و آفت‌ها است، که این آفت‌ها ممکن است از بیرون وارد شود و ممکن است در داخل با آفت روبرو شویم، مهم چگونگی مقابله و رفع آفت‌ها است. انواری در ادامه به بیان چگونگی مقابله با آسیب‌ها پرداخت.

حمیدرضا ترقی مدیر مسئول نشریه شما نیز در این گردهمایی به تحلیل اهمیت رسانه‌ها و نقش آنها در مسیر حرکتی احزاب پرداخت. در ادامه این گردهمایی دبیران استانها و شهرستانهای حزب موتلفه اسلامی به بیان نظرات خود درباره انتخابات آینده ریاست جمهوری پرداختند. حیدری دبیر موتلفه اسلامی شهرکرد در این باره گفت: به نظر می‌رسد تاکنون شاهد حضور نیروهایی در قوه مجریه بودیم که بیشتر به مباحث نظری می‌پرداختند و این دوره ضرورت دارد یک فرد اجرایی برای مسند ریاست جمهوری انتخاب شود.

اعتمادیان دبیر موتلفه اسلامی بم نیز در سخنانش بر ضرورت شناسایی تیم خرابکاری که چهره‌های جریان اصولگرا را تخریب می‌کند تأکید کرد. خزائیان دبیر موتلفه اسلامی تویسرکان هم بر ضرورت پوسته شکنی در جریان اصولگرا تأکید و تصریح کرد: باید از ارائه شعارهای کاذب و غیر قابل اجرا دوری کرد. خانم فخر مسئول بخش خاوران استان تهران هم به ضرورت توجه به شعارهای فریبنده درباره زنان و آگاه کردن زنان نسبت به دوری از این شعارها اشاره کرد.

بهدادپور از مولفه اسلامی استان کهکلوپه و بویراحمهر هم در سخنانش گفت: در انتخابات ریاست جمهوری آینده باید فردی نامزد باشد که توانایی پرداختن به تمامی زمینه‌ها را داشته باشد. لرستانی قائم مقام دبیر استان لرستان هم در سخنانش اظهار داشت: برای انتخاب تیم کارآمد رئیس جمهور آینده باید میان تشکلهای جبهه پیروان خط امام در رهبری هماهنگی جدی وجود داشته باشد.

## رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

اردن به عنوان اولین کشور عربی چند سرباز به عراق می‌فرستد

جمعه 12 تیر 1383 - 2 ژوئیه 2004

موضع اردن نسبت به عراق پس از انتقال قدرت در این کشور تغییر کرده است. به گزارش سرویس بین‌المللی ای‌ان‌ا، ملک عبدالله دوم پادشاه اردن گفت: اردن به عنوان اولین کشور عربی چند سرباز برای استحکام و ثبات امنیتی به عراق می‌فرستد. پادشاه اردن اظهار داشت: اگر دولت عراق مستقیماً از ما تقاضای کمک کند، برای بسیار مشکل است که جواب رد بدهیم. به گزارش خبرگزاری BBC، پیام عبدالله دوم به دولت عراق بدین مضمون است. وی تصریح کرد: فقط به ما بگویید چه چیز لازم دارید و ما چگونه می‌توانیم به شما کمک کنیم و خواهید دید ما چگونه شما را حمایت می‌کنیم. گفتنی است اردن پیش از این، از اعزام نیرو به عراق خودداری می‌کرد، ولی از زمان انتقال رسمی قدرت سیاسی در عراق موضع اردن کاملاً تغییر کرده است. در پی اعلام اردن برای اعزام نیرو به عراق، دولت یمن نیز اعلام کرد، این کشور حاضر است در صورت وجود یک قطعنامه بین‌المللی، نیروهایش را به منظور حفظ صلح در عراق به این کشور اعزام کند. به گزارش ای‌س‌نا، به نقل از خبرگزاری کویت، یکی از مقامات وزارت خارجه یمن اظهار داشت: اعزام نیرو به عراق در چارچوب قطعنامه‌های بین‌المللی و نظارت مستقیم سازمان ملل متحد می‌باشد و نیروهای نظامی آمریکا نباید میزان نیروهای چند ملیتی در عراق ارزیابی کنند و رهبری اصلی این نیروها را بر عهده بگیرند. این مسوول یمنی افزود: کشورش خواهان ثبات و امنیت در عراق است و آماده است تا در راستای بازگرداندن ثبات امنیتی همکاری کند.

عراق، پیشنهاد پادشاه اردن را برای اعزام نیرو به این کشور رد کرد

پیشنهاد عبدالله دوم پادشاه اردن مبنی بر اعزام نیرو از سوی این کشور به عراق با مخالفت مقامات دولت عراق روبرو شد. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه اینترنتی محیط، بغداد ساعتی پیش پیشنهاد پادشاه اردن را برای اعزام نیروی نظامی به عراق رد کرد. پادشاه اردن گفته بود کشورش آماده است در صورت درخواست دولت موقت عراق برای اعزام نیرو به این کشور این کار را انجام دهد. حامد البیاتی معاون وزیر امور خارجه عراق امروز جمعه در توجیه مخالفت با پیشنهاد عبدالله دوم گفت: اردن یک کشور هم‌مرز با عراق است و عراقی‌ها با هم توافق کرده‌اند که به علت حساسیت حضور نظامیان کشورهای همسایه در عراق از این کشورها نیرو درخواست نکنند. البیاتی در گفتگو رادیویی گفت: ایاد علاوی نخست‌وزیر نامه‌هایی برای سران مصر، بحرین و عمان فرستاده و از آنها خواسته است در حفظ امنیت و ثبات کشورش با اعزام نیرو مشارکت کنند. البیاتی افزود: موضع اردن قابل تقدیر است اما اردن می‌تواند به جای اعزام نیرو به کشورمان، مرزهایش را بیشتر و بهتر کنترل کند و مانع از ورود جنگجویان و خرابکاران شود. وی گفت: جنگجویان و خرابکاران از گذرگاه‌هایی به داخل عراق رخنه می‌کنند و دولت اردن باید به جای اعزام نیرو، سد راه نفوذ این افراد به داخل عراق شود. به گفته البیاتی، اردن می‌تواند به جای اعزام نیرو، به آموزش نیروهای عراقی و تقدیم تجهیزات و کمک‌های دیگر که شرایط عراق بطلبد، اقدام کند.

گزارش کامل محاکمه صدام و 11 تن از مقام‌های حکومت بعث و بازتاب آن

جمعه 12 تیر 1383 - 2 ژوئیه 2004

سرانجام پس از یک سال از اشغال عراق و مباحثات بسیار درباره‌ی نحوه‌ی برخورد با صدام، دیکتاتور سابق عراق در دادگاه تفهیم اتهام حاضر شد. به گزارش ای‌س‌نا، صدام راس ساعت 14/30 دقیقه‌ی روز گذشته (پنجشنبه) در یک دادگاه عراقی که در مکانی نامعلوم برگزار می‌شد، حضور یافت. شبکه‌ی خبری الجزیره با اعلام این مطلب گزارش داد: صدام در این دادگاه با وضعیتی بسیار پریشان و با صدایی بسیار گرفته حضور یافت و در موارد بسیار زیادی با رییس این دادگاه به جدل پرداخت.

صدام در این دادگاه عنوان ساخت که تحت هیچ شرایطی این دادگاه را نمی‌پذیرد و اعلام می‌دارد که این دادگاه غیرقانونی می‌باشد و نیز بدون حضور وکلای مدافع خود سخن نخواهد گفت و از خود دفاع نخواهد کرد.

صدام همچنین در حالی که با صدای گرفته سخن می‌گفت، اعلام داشت که حاضر به امضای هیچ سند و مدرکی در این دادگاه نیست.

صدام در حالی که اتهامات مربوط به جرایم جنگی و نسل‌کشی علیه وی را رد می‌کرد، خطاب به قاضی گفت: اینها همه تئاتر است و جنایتکار واقعی جورج بوش، رییس جمهور آمریکا است. وی گفت: من صدام حسین، رییس جمهور عراق هستم.

رییس جمهور سابق عراق عنوان ساخت: این دادگاه توسط واشنگتن اداره می‌شود. وی همچنین در حالی که از رییس دادگاه انتقاد می‌کرد، گفت: چگونه غیرت تو اجازه می‌دهد که در حضور اشغالگران مرا مورد محاکمه قرار دهی.

صدام همچنین در حالی که در میان سخنان رییس دادگاه سخن می‌گفت، از رییس این دادگاه می‌خواست که او را با نام و لقب کاملش به عنوان رییس جمهور عراق مورد خطاب قرار دهد و گفت: عنوان کردن من با لقب رییس جمهور، احترام به اراده ملی است که مرا به این سمت انتخاب کرده‌اند.

دیکتاتور سابق عراق در این دادگاه همچنین از حمله به کویت و اشغال آن به شدت دفاع نمود و گفت: به خاطر مردم عراق به کویت حمله کردم.

دیکتاتور مخلوع عراق درخصوص جنگ هشت ساله با ایران و تهاجمش به این کشور، با ادعایی مضحک و واهی گفت: ابتدا ایران به ما حمله کرد.(!)

صدام همچنین خطاب به رییس دادگاه گفت: تو هم اکنون با کدامین قانون می‌خواهی مرا محاکمه کنی. آیا مرا با قانونی که من وضع کرده‌ام، محاکمه می‌کنی یا با قانون دیگر. اگر قانون دیگری مبنای محاکمه می‌باشد، بگویند این قانون کدام است؟

صدام در این دادگاه با ظاهری بسیار لاغر که نشان می‌داد از سلامتی کافی برخوردار نیست، حضور پیدا کرد.

در ادامه، 11 تن از معاونین و سران سابق حزب بعث در مقابل دادگاه حاضر شدند و همگی تنها با امضای اسناد مربوط به تفهیم اتهامشان، از دادگاه خارج شدند. در این میان تنها صدام از امضای این اسناد امتناع کرد.

همچنین همزمان با پخش محاکمه‌ی صدام از رسانه‌های خبری جهان، بسیاری از شبکه‌های عربی تظاهراتی پراکنده‌ای که در شهرهای مختلف به نشانه‌ی دفاع از صدام برگزار شده بود را به تصویر کشاندند.

صدام توسط یک فروند هلی‌کوپتر از مکانی نامعلوم به دادگاه عراقی آورده شد و توسط یک اتوبوس زرهی به همراه دو نگهبان عراقی به زندانبان تحویل داده شد. قاضی دادگاه صدام گفت که به دلایل امنیتی صدای صدام در جریان دادگاه پخش نشد و نام قضات نیز فاش نخواهد شد.

درهای دادگاه توسط شش محافظ عراقی محافظت می‌شدند و به دلیل ملاحظات امنیتی تعداد کمی از رسانه‌ها اجازه‌ی حضور در دادگاه را پیدا کردند.

پس از پایان محاکمه‌ی صدام، شبکه‌های تلویزیونی تصاویر بسیار پریشان، لاغر و عصبانی از دیکتاتور مخلوع عراق را پخش کرده و اعلام کردند که صدام با غل و زنجیر به دادگاه عراقی تحویل داده شد.

دادگاه تفهیم اتهام صدام در حالی برگزار شد که اعضای خانواده و وکلای مدافع وی و اعضای حکومت سابق عراق، اعتماد کمی به سیستم قضایی عراق داشته و نسبت به بی‌عدالتی علیه آنها ابراز نگرانی کرده‌اند.

عبدالهادی جبار، پدرزن کمال مصطفی عبدالله، افسر سابق نیروهای مسلح صدام در گارد جمهوری عراق می‌گوید: از اینکه فهمیدیم کمال نیز یکی از متهمان است، تعجب کردیم.

وی می‌گوید: من می‌دانم که او کار مهمی انجام نداده، او فقط افسری بوده که از دستورات اطاعت می‌کرد. جهانیان می‌دانند که زمان حکومت صدام چه اتفاقی رخ می‌داد، هر کس که از دستورات اطاعت نمی‌کرد، کشته می‌شد. ما امیدواریم که مصطفی آزاد شود.

وکیل وی نیز می‌گوید: من هرگز موفق به دیدن کمال نشده‌ام. او حتی نمی‌داند که من وکیلش هستم. عصام عضای تیم حقوقی دیکتاتور سابق عراق، اظهار داشته که مالک دوهان الحسن، وزیر دادگستری وی را تهدید به مرگ کرده است.

این وزیر عراقی، ضمن رد این اتهام گفت: من کسی را تهدید نکردم. فقط گفتم که اگر می‌خواهید از صدام دفاع کنید، باید اینجا بیاید و اول از گورهای دسته جمعی دیدار کنید.

رییس تیم دفاعی صدام نیز گفت: مقام‌های قضایی عراق غیر قانونی هستند و اجازه‌ی ورود وکلا به کشور را نداده‌اند.

وی گفت: ما وکیل هستیم و به قانون احترام می‌گذاریم. به رغم تمامی ملاحظات، ما نسبت به مقام‌های قضایی ابراز نگرانی می‌کنیم، آنها غیر قانونی هستند. ما می‌خواهیم برای دفاع از موکلان خود به عراق برویم.

اعضای تیم حقوقی صدام، توسط مساجده همسر صدام و سه دختر رعد، رعنا و هلا، منصوب شده‌اند.

در دادگاه عراقی روز گذشته، علاوه بر دیکتاتور سابق عراق، 11 تن از همدستان حکومتی وی در دوران جنایاتش نیز حضور داشتند که عبارتند از:

- \* علی حسن المجید، معروف به علی شیمیایی به دلیل ایفای نقش در حمله‌ی شیمیایی به کردهای حلبچه و فرد شماره‌ی پنج در فهرست افراد تحت تعقیب. زمان دستگیری 21 اوت 2003؛
- \* عزیز صالح النعمان، رئیس فرماندهی منطقه‌ی حزب بعث در بغداد، فرد شماره‌ی هشت در فهرست افراد تحت تعقیب. زمان دستگیری 22 ماه مه 2003؛
- \* بارزان ابراهیم الحسن التکریتی، مشاور رئیس جمهور و برادر ناتنی صدام، فرد شماره‌ی 38 در فهرست افراد تحت تعقیب. زمان دستگیری ششم آوریل 2003؛
- \* کمال مصطفی عبدالله التکریتی، رئیس گارد جمهوری، داماد صدام و فرد شماره‌ی 10 در فهرست افراد تحت تعقیب. زمان دستگیری 17 مه 2003؛
- \* محمد حمزه الزبیدی، از اعضای بازنشسته‌ی شورای فرماندهی انقلاب، مسوول سرکوب شیعیان در جنوب عراق در سال 1991، فرد شماره 9 در فهرست افراد تحت تعقیب. زمان دستگیری 20 آوریل 2003؛
- \* صابر عبدالعزیز الدوری، فرماندار بغداد، رئیس اطلاعات ارتش طی جنگ 1991 خلیج فارس. زمان دستگیری معلوم نیست؛
- \* عابد حامد محمود التکریتی، ناظر نیروهای امنیتی شخصی. زمان دستگیری 16 ژوئیه 2003؛
- \* سلطان هاشم احمد، وزیر دفاع، فرد شماره‌ی 27 در فهرست افراد تحت تعقیب. زمان دستگیری 19 سپتامبر 2003؛
- \* طاها یاسین رمضان، معاون رئیس جمهور عراق، عضو شورای فرماندهی انقلاب، فرد شماره‌ی 20 در فهرست افراد تحت تعقیب. زمان دستگیری 20 اوت 2003؛
- \* طارق عزیز، معاون سابق نخست‌وزیر، وزیر سابق امور خارجه، فرد شماره‌ی 25 در فهرست افراد تحت تعقیب. زمان دستگیری 25 آوریل 2003؛
- \* ویتان ابراهیم الحسن التکریتی، مشاور رئیس جمهور و برادر ناتنی صدام، زمان دستگیری 13 آوریل 2003.

-- نگاهی به جنایات صدام در دوران دیکتاتوری --

صدام به دلیل ارتکاب 7 جنایت اصلی روز گذشته در دادگاه عراقی حضور یافت؛

- \* 16 ژوئیه 1979، زمان کوتاهی پس از به قدرت رسیدن، 15 تن از سران حزب بعث به اتهام جاسوسی علیه وی توسط جوخه‌ی مرگ اعدام شدند؛
- \* 22 سپتامبر 1980، تهاجم نیروهای عراقی به ایران و آغاز جنگ هشت ساله علیه ایران که بیش از یک میلیون کشته برجای گذاشت. حمله‌ی شیمیایی به ایران و کشتن بیش از هزار تن در سال 1983، اقدام علیه قبیله‌ی کرد بارزانی به بهانه‌ی کمک به ایران و کشتن 8000 کرد و ایجاد گور دسته جمعی؛ \*88-1986، حمله‌ای با عنوان انفال که شامل حملات شیمیایی علیه کردها و کشتن بیش از 180 هزار تن شد؛
- \* 28 مارس 1988، حمله‌ی شیمیایی به شهر کردنشین حلبچه و کشتن بیش از 5000 تن؛
- \* 2 اوت 1990، دستور حمله به کویت، شلیک موشک‌های اسکاد به اسرائیل و عربستان سعودی، شکنجه و اعدام صدها کویتی و آتش زدن چاه‌های نفت کویت؛
- \* 1991، کشته شدن بیش از 60 هزار تن در سرکوب شیعیان در جنوب عراق و کردها در شمال عراق در آستانه‌ی جنگ خلیج فارس؛
- \* 20 فوریه 1996، قتل دو دامادش پس از بازگشت از

ساعتی پس از ظاهر شدن صدام در وضعیتی بسیار آشفته و عصبی در دادگاه، 11 تن دیگر از مقامات مسوول عراقی نیز با وضعیتی بسیار آشفته‌تر در دادگاه تفهیم اتهام حاضر شدند و حضور آنها انعکاس گسترده‌ای در رسانه‌های خبری جهان داشت.

به گزارش ایسنا، پایگاه اینترنتی ایلاف با بیان این مطلب افزود است: جلسه‌ی تفهیم اتهام صدام که اول به درخواست آمریکایی‌ها بدون هیچ صدایی از صدام پخش شد، ساعات بعد همراه با صدا در رسانه‌های خبری جهان انعکاس یافت، اما جلسه‌ی تفهیم اتهام 11 تن دیگر از مقامات بلندپایه نظام سابق عراق، بدون پخش صدا به تصویر کشیده شد.

طارق عزیز، معاون نخست وزیر عراق که با وضعیتی آشفته و موهای به هم ریخته در دادگاه حاضر شده بود، خطاب به رئیس دادگاه عراقی و در جواب به اتهامات خود اظهار داشت، در مورد هیچ یک از جنایتهایی نظام سابق عراق هیچ مسوولیتی را به عهده نمی‌گیرد و خود را مسوول این جنایات نمی‌داند.

طارق عزیز هم چنین از قاضی دادگاه خواست که به وی اجازه دهد یک وکیل مدافع خارجی برای خود تعیین کند.

عزیز همچنین پس از خوانده شدن لیست اتهامات خود تصریح کرد: من می‌خواهم بدانم آیا این اتهامات و کشتارها به شخص من وارد است؛ زیرا اگر چنانچه جنایتی رخ داده است، مسوولیت آن بر عهده فرماندهی کل است اما من به عنوان شخصی از این نظام هرگز به صورت مستقیم، اقدام به کشتن کسی نکردم و خود را در این زمینه مسوول و متهم نمی‌دانم.

عبد حمود، منشی و مدیرکل صدام نیز که با وضعیتی نه چندان مستقر در دادگاه حضور پیدا کرد، نسبت به تمام دیگر مسوولان نظام سابق عراق با دادگاه همکاری بیشتری از خود ارایه داد و تمام سوالات قاضی را بدون هیچگونه اعتراضی پاسخ داد و بدون هیچ مخالفتی لیست اتهامات خود را امضا کرد. حمود همچنین در پاسخ به لیست اتهامات خود با صدایی نسبتاً بلند خطاب به خبرنگاران حاضر در دادگاه و نیز قاضی گفت: من بیگناهم و در آینده بیگناهی من ثابت خواهد شد و همه‌ی شما شاهد این رخداد خواهید بود.

سلطان هاشم، وزیر دفاع دولت سابق عراق نیز که بر اساس توافقنامه‌ی مشترک با نیروهای آمریکایی خود را تسلیم کرده بود، بلافاصله و پیش از آنکه هرگونه توضیحی در زمینه‌ی لیست اتهامات خود ارایه دهد، اقدام به امضای آن کرد.

بارزان تکریتی، رییس سازمان اطلاعات عراق و برادر ناتنی صدام نیز که در طول جلسه‌ی تفهیم اتهام بگونه‌ای تلاش کرد ظاهر خود را مرتب کند و حرکات وی بیانگر عدم تسلطش بر وضعیت روحی‌اش بود، بر خلاف صدام بدون بحث و جدل به اتهامات خود پاسخ کوتاهی داد.

علی حسن المجید، معروف به "علی شیمیایی"، مردی که به "شنگولی و استواری" میان مردم عراق معروف بود، نیز با ظاهری بسیار شکسته و در حالی که بر روی یک عصا تکیه کرده بود، در جلسه‌ی دادگاه حاضر شد و پس از بررسی لیست بلندپایه‌ی اتهامات خود بدون هرگونه بحثی به امضای این لیست اقدام کرد.

حسن المجید در پاسخ به سوالات قاضی دادگاه و خوانده شدن لیست اتهاماتش گفت: من خسته‌ام و نمی‌توانم ادامه دهم!

صالح عزیز النومان، وزیر کشور سابق عراق، طه یاسین رمضان، معاون سابق صدام، محمد حمزه الزبیدی، نخست وزیر سابق عراق، کمال مصطفی التکریتی، رهبر گارد ریاست جمهوری عراق، طلبان ابراهیم الحسن، مدیر امنیتی عمومی عراق و صابر عبدالعزیز الدوری، استاندار بغداد و یکی از مقامات بلندپایه‌ی حزب بعث نیز با ظاهری کاملاً آشفته و با صدایی گرفته و لرزان در جلسه‌ی تفهیم اتهام خود حضور پیدا کردند و بر خلاف صدام همکاری کاملتری با رییس دادگاه از خود نشان داد.

در این میان انتقال صدام و مقامات مسوول نظام سابق عراق به حکومت موقت این کشور و محاکمه‌ی آنها، بازتاب‌ها و موضع‌گیری‌های مختلفی در سطح جهانی و منطقه داشته است.

به گزارش اسپنا، به نقل از روزنامه‌ی البیان - چاپ امارات - خالد عیسی طه، رییس سازمان انجمن وکیلای بدون مرز با اشاره به موضوع مشروعیت دادگاه محاکمه‌ی صدام در عراق اظهار داشت: این دادگاه با استناد به قطعنامه‌ی 1546 اخیر شورای امنیت کاملاً مشروع و قانونی می‌باشد.

طه افزود: به پایان رسیدن هر چه سریعتر محاکمه‌ی صدام به سود منافع عراق است. رییس انجمن وکلای بدون مرز هم چنین تصریح کرد: به رغم آنکه این انجمن اعتراضات گسترده‌ی نسبت به موضوع اشغال عراق داشت و بسیاری از قانون‌های صادره در زمان پل برمر، حاکم آمریکایی عراق را زیر سوال برد، اما هم اکنون معتقد است پس از آنکه قطعنامه‌ی شورای امنیت مشروعیت لازم به نیروهای چند ملیتی در عراق را داد و نیز پس از آنکه نماینده‌ی کوفی عنان در عراق موفق به تشکیل حکومت موقت شد، محاکمه‌ی صدام صورت قانونی به خود گرفته است.

وی تصریح کرد: در حالی که تمام جهان حکومت عراق را به مشروعیت شناخته است و بسیاری از کشورها سفیران خود را به این کشور اعزام کرده‌اند، چگونه می‌توان مشروعیت دادگاه قضایی عراق را زیر سوال برد؟

احمد ماهر، وزیر امور خارجه‌ی مصر نیز با اشاره به موضوع محاکمه‌ی صدام و نمایش تصاویر وی در رسانه‌های خبری جهان گفت: مساله‌ی صدام یک مساله‌ی ثانوی و فرعی تلقی می‌شود. ماهر افزود: آنچه که در حال حاضر از محاکمه‌ی صدام نیز مهمتر است، آن است که ملت عراق هرچه سریعتر استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی خود را به صورت کامل بدست آورند. صباح الاحمد، نخست وزیر کویت نیز در واکنش به محاکمه‌ی صدام و اصرار صدام مبنی بر مشروعیت حمله‌ی عراق به کویت گفت: صدام می‌تواند آنچه را که می‌خواهد در دادگاه عنوان سازد. سرنوشت او بر همگان مشخص است.

صبح الاحمد تاکید کرد: ملت کویت حق خود را از صدام خواهد گرفت و ما بر این اساس پرونده‌های کاملی از اتهامات علیه رییس جمهور سابق عراق تهیه کرده‌ایم و تمام این اتهامات با مدارک و اسناد موثق به دادگاه عراق ارایه خواهد شد و این اتهامات ادعاهای باطل نخواهند بود.

نخست وزیر کویت درباره‌ی عدم امضای لیست اتهامات از سوی صدام در دادگاه گفت: به اعتقاد من هیچ تبانی در زمینه‌ی محاکمه صدام وجود ندارد و ملت عراق حق خود را از این دیکتاتور بازخواهند گرفت.

صبح الاحمد با تاکید بر صدور حکم اعدام در حق صدام اظهار داشت: ما نیز با تمام گروه‌ها و کسانی که خواهان صدور حکم اعدام در حق صدام هستند، هم صداییم و خواستار انجام حکم حد بر اساس قوانین شرعی موجود در حق صدام هستیم.

مالک الدوهان، وزیر دادگستری عراق نیز با تاکید بر فراهم آمدن مدارک کافی جهت اثبات اتهامات صدام در دادگاه تصریح کرد: در صورتی که اتهامات صدام به اثبات نرسد، حکم آزادی وی فوراً صادر خواهد شد.

به گزارش ایسنا، الدوهان افزود: تاکنون هیچ وکیل عربی یا خارجی برای دفاع از صدام مدارک خود را به دادگاه ارائه نداده است و آنچه تاکنون از سوی وکیلان در رسانه‌های خبری اعلام می‌شود، چیزی جز ادعا نیست.

وزیر دادگستری عراق گفت: در صورتی که هیچ وکیلی برای دفاع از صدام حاضر نشود یا اینکه خانواده‌ی وی کسی را برای او به وکالت نگیرند، ما از میان وکلای بعثی و نیز طرفداران صدام برای رییس جمهور عراق وکیل تعیین می‌کنیم. الدوهان گفت: بخش کوچکی از اتهامات صدام بمباران شیمیایی حلبچه، قتل‌عام‌های دسته جمعی، اتهام قطع زبان و دست و پای مظنونان و متهمان است. وی تأکید کرد: برای صدور حکم اعدام در حق صدام تنها ارایه‌ی این دلیل کافی است که او به عنوان فرماندهی نظامی از صحنه‌ی جنگ گریخت و این قانونی است که خود صدام آن را وضع کرده بود و هر فرماندهی که از صحنه‌ی جنگ می‌گریخت، بر اساس این قانون فوراً اعدام می‌شود. وزیر دادگستری عراق تأکید کرد: هیچ کس حق ندارد در موضوع قانون اعدام در عراق دخالتی کند اما از نظر سیاسی هر کشور یا انجمنی می‌تواند نظر خود را در این زمینه ارایه دهد. از سوی دیگر واشنگتن نیز با موضع‌گیری نسبت به دادگاه محاکمه‌ی صدام اعلام کرد: صدام دیگر به عنوان اسیر جنگی از نظر آمریکا محسوب نمی‌شود، این دولت عراق است که سرنویشت وی را تعیین می‌کند.

آدام ارلی، معاون سخنگوی وزارت خارجه‌ی آمریکا اظهار داشت: صدام از امروز به عنوان اسیر دستگاه قضایی عراق تلقی خواهد شد. وی افزود: با وجود آنکه صدام جسدی همچنان تحت نظارت شدید نیروهای چند ملیتی در یک مکان کاملاً سری به سر خواهد برد، اما مسوولیت قانونی وی به حکومت انتقالی عراق منتقل شده است و دستگاه قضایی این کشور درباره‌ی صدام تصمیم خواهد گرفت. ارلی تأکید کرد: زمانی که عراقیان به توانایی‌های کامل و مناسب دست یابند، نظارت جسمی صدام نیز به حکومت عراق منتقل خواهد شد. از سوی دیگر سخنگوی تونی بلر، نخست وزیر انگلیس اعلام کرد: دولت انگلیس با حکم اعدام صدام مخالفتی نخواهد کرد.

وی افزود: در صورتی که مردم عراق صدام را مستحق حکم اعدام بدانند، انگلیس نیز با این حکم مخالفتی نخواهد کرد. سخنگوی بلر تأکید کرد: ما در سابق به صراحت تمام موضع مخالف خود را با حکم اعدام در عراق اعلام داشته‌ایم و همچنان با ازرگیری مجدد این حکم مخالفیم، اما امروز دیگر عراق دارای یک حکومت مشروع است و ما نیز به تصمیمات این حکومت احترام می‌گذاریم. مالک ساموئل، سخنگوی صلیب سرخ جهانی نیز با اشاره به دادگاه محاکمه‌ی صدام خواستار برگزاری یک دادگاه عادلانه و علنی برای رییس جمهور سابق عراق شد. وی تأکید کرد، دادگاه صدام باید با قوانین قضایی عراق تطابق داشته باشد. ساموئل تصریح کرد: صدام به عنوان اسیر جنگی محسوب نمی‌شود؛ زیرا زمانی که نیروهای آمریکایی، عراق را به اشغال در آوردند، او رهبری کشورش را به عهده داشت. حامد البیاتی، وکیل و معاون وزارت خارجه‌ی عراق نیز اظهار داشت: در صورتی که حکم اعدام در حق صدام صادر شود، این حکم در حق وی بسیار کم خواهد بود. بیانی تأکید کرد: با توجه به جنایت‌هایی که رییس جمهور سابق عراق مرتکب شده است، در صورتیکه حکم اعدام در حق وی صادر شود، این یک نتیجه‌گیری منطقی از سوی دستگاه قضایی عراق خواهد بود.

به گزارش ایسنا، وی درباره‌ی عدم امضای لیست اتهامات از سوی صدام گفت: این موضوع در سابق توسط اسلوبودان میلوسویچ، رییس جمهور سابق یوگسلاوی نیز به وقوع پیوسته است اما به هر حال این مسایل و اقدامات مهم نیست، زیرا با توجه به میزان جنایت‌هایی که صدام مرتکب شده است هیچ نیازی به اظهار نظر صدام نداریم.

داوود باغستانی، مسوول روابط کمیته‌ی حقوق بشر در عراق نیز در واکنش به محاکمه‌ی صدام اعلام کرد، روند محاکمه‌ی صدام از مشروعیت قانونی لازم برخوردار نیست. وی به تعویق افتادن این دادگاه تا پس از برگزاری انتخابات در عراق و تشکیل حکومت جدید در این کشور را خواستار شد.

ابراهیم جعفری، معاون رییس جمهور عراق نیز تصریح کرد: جنایت‌های صدام نیازی به مدارک اثبات کننده ندارد زیرا تمام جهان شاهد این جنایت‌ها بوده‌اند. جعفری گفت: اثبات اتهامات صدام چه در منطقه و چه در جهان نیازی به اثبات ندارد، زیرا حمله‌ی وی به کویت و ایران و تجاوز و نقض حقوق بشر در حق اسیران جنگی دیگر نیازی به دلیل ندارد. معاون رییس جمهور عراق، احتمال صدور حکم اعدام در حق صدام را بعید ندانست. جعفری تأکید کرد: محاکمه‌ی صدام و مقامات مسوول دولت سابق عراق به صورت علنی و با شفافیت کامل برگزار خواهد شد.

معاون رییس جمهور عراق تصریح کرد: از امروز قانون عراق در حق تمام جنایتکاران اعمال می‌شود و نیروهای چند ملیتی نیز با توجه به انتقال قدرت به حکومت موقت عراق با این قانون محاکمه خواهند شد.

جلال طالبانی، رهبر حزب میهنی کردستان عراق نیز با اشاره به روند جاری محاکمه‌ی صدام گفت: من به عنوان یک وکیل، مخالف صدور حکم اعدام در حق صدام هستم. طالبانی گفت: صدام از بدترین جنایتکارانی است که در جهان دیده‌ایم و وی مسوول کشته شدن بیش از میلیون‌ها تن است اما با این وجود نباید حکم اعدام در حق وی صادر شود. دولت فرانسه نیز در موضع‌گیری نسبت به دادگاه محاکمه‌ی صدام اعلام داشت: این دادگاه باید به تمام قوانین بین‌المللی متعهد باشد و به این قوانین احترام گذارد. وزارت خارجه‌ی فرانسه با صدور بیانیه‌ای در این زمینه اعلام داشت: دیکتاتور عراق باید محاکمه شود اما این محاکمه باید از سوی ملت عراق و توسط یک دادگاه عراقی که به نظام اصول و معیارهای قوانین بین‌المللی احترام بگذارد، انجام گیرد. در این بیانیه آمده است: فرانسه با از سرگیری حکم اعدام در عراق و نیز تطبیق این حکم در هر شرایطی مخالف است. دولت اردن نیز با اشاره به محاکمه‌ی صدام اعلام کرد: این موضوع یک موضوع داخلی است و اردن در این موضوع دخالتی نمی‌کند. مروان معاشر، وزیر امور خارجه‌ی اردن اظهار داشت: موضوع محاکمه‌ی صدام مساله‌ی بی‌استی است که از دیدگاه ملت عراق بسیار مهمتر می‌باشد و تنها حکومت جدید عراق است که می‌تواند حرف اول را در این زمینه بگوید. معاشر افزود: اردن به زودی سفیری را به بغداد اعزام خواهد کرد تا ثابت کند که حکومت موقت عراق را به رسمیت شناخته است.

متن کامل محاکمه صدام  
شرق - شنبه 13 تیر 1383 - 3 ژوئیه 2004

قاضی: لطفاً خودتان را معرفی کنید.

صدام: من صدام حسین المجید، رئیس جمهوری عراق هستم.

قاضی: رئیس جمهوری سابق عراق؟

صدام: نه خیر. رئیس جمهوری فعلی عراق. این خواست و آرزوی مردم است.

قاضی: رئیس حزب منحل شده بعث، فرمانده سابق ارتش، تبعه عراق. اسم مادرتان چیست؟

صدام: صباح. می توانم صحبت کنم؟

قاضی: بفرمایید.

صدام: شما هم باید خودتان را به من معرفی کنید.

قاضی: آقای صدام، من قاضی مسئول تحقیقات دادگاه مرکزی عراق هستم.

صدام: پس شما یک قاضی مسئول تحقیقات دادگاه مرکزی عراق هستید. طبق چه قانون و قطعنامه ای این دادگاه شکل گرفته است؟

آها! نیروهای ائتلاف؟ پس شما عراقی هستید که نمایندگی نیروهای اشغالگر را بر عهده دارید؟

قاضی: نه خیر. من یک عراقی هستم که نمایندگی مردم را بر عهده دارد.

صدام: اما شما...

قاضی: من در رژیم سابق براساس قوانین ریاست جمهوری منصوب شدم.

صدام: شما معتقدید که تمام مردم عراق باید به قانون عراق احترام بگذارند. پس قانون بر خواست مردم تقدم دارد، درست است؟

قاضی: بله انشاءالله.

صدام: پس شما نباید زیر نظر و طبق خواست نیروهای ائتلاف کار کنید.

قاضی: نکته مهمی است. من يك قاضی هستم، در رژیم گذشته من به قضات احترام می گذاشتم. حالا کار خود را از سر گرفته ام و به فعالیت ادامه می دهم. شما هم مثل تمام شهروندان باید در قبال اتهامات و جرم های وارده پاسخگو باشید. اگر اتهامات اثبات شود، شما مجرم شناخته می شوید و در غیر این صورت همه چیز به خوبی پایان خواهد یافت. روند قضایی درصدد احقاق حقوق است. اگر مدرک و شاهدهی باشد، شما محکوم می شوید. اگر مدرکی نباشد محکوم نمی شوید. تا به امروز، شما پیش از اینکه محاکمه شوید، محکوم شده اید. بنابراین...

صدام: اجازه بدهید. من مسائل را قاطی نمی کنم. شما قاضی هستید؟ قاضی هستید شما؟ و قضات برای قانون ارزش و احترام قائلند و براساس قانون فعالیت می کنند. درست است؟ درست است؟

حق نسبی است. برای ما حق، آن چیزی است که در قرآن و شریعت آمده، درست است؟ من در مورد صدام حسین و اینکه آیا شهروند بوده است یا خیر صحبت نمی کنم. من جایگاهم را محکم نچسبیده ام. من به خواست مردمی که صدام حسین را به عنوان رهبر انقلاب برگزیدند، احترام می گذارم. وقتی می گویم رئیس جمهوری عراق هستم معنی اش این نیست که جایگاهم را دو دستی چسبیده باشم و یا از لحاظ قانونی این حرف را بزنم. من فقط به خواست و نظر مردم احترام می گذارم. این يك نکته است و نکته دیگر هم این است که شما مرا برای تفهیم اتهام به دادگاه دعوت کرده اید و حالا از این اتهامات به عنوان جرایم یاد می کنید.

قاضی: به عنوان قاضی مسئول تحقیقات، اگر مدرکی پیدا کنم آن را به نظام قضایی و دادگاه صادرکننده حکم رجوع می دهم.

صدام: بگذارید يك چیز را روشن کنم. متهم کیست؟ پیش از انجام تحقیقات، وقتی که کسی به دادگاه می آید او را متهم می نامند.

اینجا دادگاه نیست. اینجا محل انجام تحقیقات است. الان شما در حال تحقیق هستید. بگذارید این مسئله را روشن کنم. امیدوارم به یاد داشته باشید که شما قاضی هستید که مردم به شما قدرت داده اند واقعاً مهم نیست که شما مرا محکوم کنید یا نه، این مهم نیست. اما مهم این است که شما به خاطر داشته باشید که يك قاضی هستید. پس کاری به نیروهای اشغالگر نداشته باشید. اصلاً چنین کاری درست نیست.

به نام مردم قضاوت کنید. درست این است. به نام مردم قضاوت کنید. این راه عراقی است.

قاضی: آقای صدام، این روند تحقیقات است.

صدام: به طور قانونی اطلاع دارید که من وکیل دارم، درست است؟ من نباید پیش از آنکه پیش شما می آمدم با وکلایم ملاقات می کردم؟

قاضی: اگر ۱۰ دقیقه به من فرصت بدهید من مراحل رسمی را انجام می دهم و سراغ این مسئله می روم. اگر صبر کنید متوجه می شوید که حقوق شما تضمین شده است.

آقای صدام، براساس قانون قاضی مسئول تحقیقات وظیفه دارد اتهامات مطرح شده علیه متهم را به اطلاع او برساند. همچنین براساس اصل ۱۲۳، ۱۲۴ و ۱۲۵ قانون اتهامات و حقوق متهم بررسی می شود.

این قدم اول است. این قوانین مگر به امضای صدام حسین نرسیده بود؟ این قانون سال ۷۳ تأیید شد. آن زمان صدام حسین رهبر بود و قانون را امضا کرد. حالا از قانونی که صدام علیه صدام امضا کرد استفاده می کنیم. صدام مردم بود.

صدام: خواهش می کنم، مکانیسم قانونگذاری \_ من وکیل نیستم، اما می فهمم \_ من در اصل مرد قانون هستم. آیا می شود رئیس جمهوری منتخب مردم را احضار و او را براساس قانونی که به خواست او و در واقع خواست مردم وضع شده، محکوم کرد؟ اینها با هم تضاد دارد. نه خیر.

قاضی: در روند قضایی، اجازه دهید این مسئله را روشن کنم، اولاً من علیه شما اقدام نمی کنم، من مشغول تحقیق هستم. ثانیاً ریاست جمهوری يك شغل و يك مقام است و رئیس جمهوری نمایندگی

جامعه را بر عهده دارد. این يك واقعیت است. اصلاً رئیس جمهوری يك شهروند است و براساس قانون اساسی تمام شهروندان در صورت تخطی از قانون موظف به پاسخگویی به مراجع قضایی هستند. این قانون را شما بهتر از من می دانید.

پس اتهامات و جرایم، را می خوانم: اول کشتار مردم حلبچه با استفاده از سلاح های شیمیایی، دوم قتل عام تعداد زیادی از مردم عراق در سال ۱۹۸۲، سوم قتل بسیاری از اعضای احزاب سیاسی بدون محاکمه، چهارم قتل عام تعداد زیادی از عراقی های متدین، پنجم قتل عام عراقی ها در انفال بدون هیچ گونه مدرکی علیه آنها. شما از حق پاسخگویی و دفاع برخوردارید. این حقوق تضمین شده است. حالا به مسئله مهمی رسیدیم. جرایم و یا اتهامات وارده به شما را شنیدید.

از حقوق قانونی خود نیز مطلع شدید. دادگاه حقوق شما را تضمین کرده است و از حق پاسخگویی و دفاع برابر اتهامات وارده برخوردارید.

همچنین شما می توانید از پاسخ دادن به سئوالات خودداری کنید و این اقدام به عنوان سندی علیه شما محسوب نمی شود. همچنین از این حق برخوردارید که در مورد شواهد و مدارك علیه خود بحث و گفت و گو کنید.

متهم می تواند درخواست ملاقات با وکیل خصوصی خود کند. و بر همین اساس جلسه تحقیقات می تواند تا زمان دیدار متهم با وکلایش به تعویق افتد. به این ترتیب جلسه های بعدی دادگاه تعیین می شود.

(متن این بخش از گفت و گو های دادگاه منتشر نشده است) ...

قاضی: اجازه بدهید. هفتمین اتهام علیه صدام حسین به عنوان رئیس جمهوری عراق و فرمانده ارتش برای حمله نظامی به کویت است.

صدام: حتی فکر این را که ما حمله کرده ایم از سر به در کنید. قانون صدام را به دلیل اینکه از عراق دفاع کرده محاکمه می کنید؟ مگر می شود مقام دولتی را به دلیل انجام وظایف قانونی اش به دادگاه کشید؟ این قانون را از کجا آورده اید؟ چطور می توانید صدام را به خاطر موضوع کویت محاکمه کنید؟ ارتش عراق به کویت رفت، اما برای دفاع. من صدام از به فحشا کشیده شدن زنان عراقی به خاطر ۱۰ دینار جلوگیری کردم. صدام حسین از غرور و حقوق تاریخی عراق در برابر این سگ ها دفاع کرد. من مسئولیت تمام حرف هایم را می پذیرم. شما می دانید که این دادگاه يك تئاتر است. تئاتری که توسط جورج بوش جنایتکار برنامه ریزی شده تا در مبارزات انتخاباتی پیروز شود.

قاضی: شما در يك جلسه رسمی و حقوقی برای شنیدن اتهامات حضور دارید. به شما اجازه نمی دهیم حرف هایی بزنید که موجب بی احترامی به دادگاه شود. صدام حسین به عنوان رئیس جمهوری و فرمانده ارتش مسئول حمله به کویت هستید.

صدام: این اتهامات به این دلیل علیه من مطرح شده است که صدام حسین در شرایطی به عنوان رئیس جمهوری تصمیم گیری کرد که حقوق رئیس جمهوری تضمین نشده بود.

قاضی: از شما می خواهم که این اسناد رسمی را امضا کنید تا در پرونده شما ثبت شود. به این اتهامات پاسخ دهید. مشغول تحقیق هستیم. پاسخ دهید.

صدام: اجازه دهید تا زمان حضور وکلایم سندی را امضا نکنم.

قاضی: عالییه. اما این اسناد متعلق به پرونده شما است.

صدام: من هم به خاطر خودم می گویم. به قول آمریکایی ها من چندین میلیون دلار پول در بانک های سوئیس دارم، پس حداقل يك وکیل می توانم داشته باشم.

قاضی: بله، به عنوان يك شهروند شما از این حقوق برخوردارید. اما چون این موارد برای شما خوانده شد و شما از آنها مطلع شدید باید این اسناد را امضا کنید.

صدام: [به دور از میکروفون مطلبی را به قاضی می گوید].

قاضی: نه خیر. این جزیی از روند قانونی است.

صدام: نه خیر، این جزء روند قانونی نیست.

قاضی: نه خیر، این جزیی از روند قانونی است.

صدام: به هر حال شما چرا نگرانید؟ من دوباره با وکلایم پیش شما می آیم و شما دوباره همه این اسناد را به من می دهید و من امضا می کنم. چرا این قدر عجله می کنید. با این همه عجله اشتباهی صورت نمی گیرد.

قاضی: نه خیر، الان تصمیم گیری نمی کنیم. من فقط مشغول تحقیق هستم. ما باید در وقت صرفه جویی کنیم و از دقایق به نحو احسن استفاده کنیم.

صدام: من وقتی اسناد را امضا می کنم که وکلایم همراهی ام کنند.

قاضی: پس شما می توانید بروید.

صدام: تمام شد؟

قاضی: بله.

• اتهامات صدام

اتهاماتی که در جلسه دادگاه علیه صدام حسین مطرح شد عبارت است از:

۱- قتل عام انفال در اواخر دهه ۱۹۸۰

۲- حمله شیمیایی به حلبچه ۱۹۸۸

۳- حمله به کویت ۱۹۹۵

۴- قتل عام شیعیان و کردها ۱۹۹۱

۵- قتل فعالان سیاسی در طول سه دهه اخیر

۶- قتل عام کردهای پیرو بارزانی دهه ۱۹۸۰

۷- قتل رهبران مذهبی ۱۹۷۴

## تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

هفته نامه های ایران: ۱۲ تیر

بی بی سی - جمعه ۱۲ تیر ۱۳۸۳ - ۲ ژوئیه ۲۰۰۴

دادگاه صدام و انتقال قدرت در عراق، مبارزه با مفاسد اخلاقی و اقتصادی، انتخابات آینده ریاست جمهوری و چالش نو محافظه کاران با اکبر هاشمی رفسنجانی، از سرگیری ساخت قطعات هسته ای و برنامه چهارم مهمترین عناوین هفته نامه های چاپ تهران است. **ایران جمعه** گزارشی از برگزاری دادگاه صدام حسین رئیس جمهور مخلوع عراق چاپ کرده و در عنوان اصلی خود به نقل از صدام نوشته است: "دادگاه من نمایش تبلیغاتی بوش است." صدام حسین به همراه ۱۱ تن از سران سابق رژیم بعث، در دادگاهی در بغداد به اتهام، قتل عام شیعیان و کردهای عراق، استفاده از سلاح های شیمیایی، اقدام به جنگ علیه ایران و کویت محاکمه می شوند.

**همشهری جمعه** گزارشی از وضعیت مصدومان شیمیایی چاپ کرده که در جنگ با عراق آسیب دیده اند. تعداد مجروحان شیمیایی ایرانی ۱۳۰ هزار نفر برآورد شده که حال ۱۰ هزار نفر آنها وخیم است. **پرتو سخن** سرمقاله این شماره را به انتقال قدرت در عراق اختصاص داده و با انتقاد از روزنامه های دوم خردادی نوشته: "متأسفانه روزنامه های مدعی اصلاحات به صورت هماهنگ از انتقال قدرت در عراق به وجد آمده و با تعبیری خلاف واقع از آن به عنوان انتقال واقعی قدرت به مردم عراق نام برده اند

ولی مردم عراق باهوش تر از آن هستند که با این اقدام سیاسی امریکایی ها دست از مقاومت بردارند و مقاومت ادامه خواهد یافت.

**ایران جمعه** سخنان کمال خرازی، وزیر خارجه ایران، را چاپ کرده و به نقل از وی نوشته: "دولت جدید عراق، دولتی منتخب مردم نیست و این دولت مسئولیت بزرگی برای فراهم کردن مسیر برگزاری انتخابات در عراق بر عهده دارد با این حال ما با دولت جدید و شورای حکومت عراق برای پایان دادن موفقیت آمیز روندی که پیش رو دارند، همکاری خواهیم داشت."

**یالثارات** ارگان انصار حزب الله، عمده مطالب این شماره را به گسترش بدحجابی و نحوه مبارزه با آن اختصاص داده و گردانندگان روزنامه های دوم خردادی را متهم کرده که به تاراج منزلت زنان مسلمان مشغولند.

محمد رضا امیدی سرمقاله نویس **یالثارات** نوشته: "مطبوعات مدعی اصلاح طلبی شعار دفاع از حقوق زنان را سر می دهند اما در عرصه عمل درست برخلاف این شعار، زن را به سان یک شئی نمایشی تصور می کنند که به درد تبلیغات اجناس بنجل می خورد."

**یالثارات** با چاپ گزارشی از وضعیت پوشش زنان نوشته: "حمایت کنندگان از حقوق زنان معتقدند نیابستی زنان را محدود کرد و یک خانم هر طور که دلش بخواهد می تواند تصمیم بگیرد و یک مرد هم نباید بیش از یک زن داشته باشد ولی با تنوع مدل لباس ها و آرایش های تحریک آمیز چطور می شود از یک مرد انتظار داشت که تنها به یک زن قناعت کند."

به نوشته **یالثارات**، "مانتو های تنگ و کوتاه بازار را قبضه کرده است و مشتری محترم نیز این امکان را پیدا می کند که تمام بدن خود را یکجا و با کیفیت مناسب عرضه کند."

**عبرت های عاشورا** وابسته به انصار حزب الله در سرمقاله این شماره از عدم برخورد قوه قضائیه انتقاد کرده و نوشته: "مفسدین فرهنگی و سربازان تهاجم فرهنگی دشمن که با انواع ابزار و لوازم، اعم از مواد مخدر، فیلم و سی دی های مستهجن، کتابهای ضاله، ایجاد خانه های فساد و مراکز فحشا به جنگ با ارزشها و فضایل این ملت آمده و مشغول قلع و قمع جوانان هستند."

**عبرت های عاشورا** به مسئولان قضائیه هشدار داده، عملکرد شما نماد اسلام و ارزشها در جامعه است و تعلل در برخورد با مفاسد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گناهی نابخشودنی است و گریبانگیر بنیان آن را در همین خواهد گرفت.

**شما** ارگان حزب موتلفه اسلامی، از فساد اقتصادی در شرکت های دولتی انتقاد کرده به نقل از حبیب الله عسگر اولادی دبیر کل این تشکل نوشته: "مردم هر روز از رسانه ها خبر توفیق اقتصادی دولت را در بخش گوناگون می شنوند اما تاثیر این توفیقات را در زندگی معیشتی خود حس نمی کنند."

آقای عسگر اولادی شرکت های دولتی را متهم کرده که ثروت های بی حد و حسابی در اختیار دارند اما حاضر نیستند سود سهام و مالیات خود را به خزانه واریز کنند.

به گفته وی، قوه قضائیه باید عدالت اقتصادی را در دستور کار خود قرار دهد و مبارزه با فساد با جدیتی مضاعف در حوزه زانو صفات بخش دولتی و خصوصی عملیاتی شود.

**امید جوان** در عنوان اصلی خود به صف آراییی جدید بین اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام و نو محافظه کاران در انتخابات ریاست جمهوری آینده پرداخته است.

به نوشته **امید جوان**، هاشمی رفسنجانی در هفت سال گذشته و در دوران مجلس اصلاحات مرجع اصلی رفع اختلافات و مشکلات میان مجلس و شورای نگهبان بوده است ولی با روی کار آمدن مجلس هفتم به نظر نمی رسد اختلافات مهم و اساسی با شورای نگهبان ایجاد شود و به این ترتیب جایگاه هاشمی رفسنجانی کم اهمیت تر از سابق خواهد شد و این مطلوب آقای هاشمی و هواداران وی نخواهد بود.

به عقیده نویسنده **امید جوان**، با کاهش نقش مجمع تشخیص مصلحت، راهی برای آقای هاشمی رفسنجانی باقی نمی ماند مگر آنکه در انتخابات ریاست جمهوری حضور پیدا کند اما نو محافظه کاران که اکثریت را در مجلس به دست گرفته اند نظر مساعدی با حضور این چهره قدرتمند اما قدیمی نداشته و روی نیروهایی چون علی لاریجانی و محمود احمدی نژاد حساب باز کرده اند.

از آنجا که تأیید صلاحیت کاندیدای واقعی اصلاح طلبان از سوی شورای نگهبان غیر ممکن به نظر می رسد، **امید جوان** پیش بینی کرده، اصلاح طلبان از حضور هاشمی در انتخابات ریاست جمهوری استقبال کرده و خود هاشمی نیز برای ماندن در عرصه سیاست، ناچار به کسب موافقت اصلاح طلبان در انتخابات ریاست جمهوری خواهد بود.

**شما**، انتخابات آینده ریاست جمهوری را مهمترین انتخابات ریاست جمهوری در جمهوری اسلامی عنوان کرده و نوشته: در انتخابات خرداد ۷۶ مردم به جای آنکه به برنامه ها توجه کنند به افراد و جاذبه های آنها توجه کردند و قبل از آنکه عقل ها در این انتخاب تصمیم بگیرند احساسات کار خود را کرد ولی این بار مردم به جای توجه به اشخاص به برنامه های و تیم کاری رئیس جمهوری توجه خواهند کرد.

**پرتو سخن**، از سرگیری ساخت و مونتاژ قطعات دستگاه سانتریفوژ از سوی ایران را تصمیمی به جا و تحسین بر انگیز اما ناکافی خوانده و نوشته: باید غنی سازی مواد نیز از سر گرفته شود.

این هفته نامه، تصویب پروتکل الحاقی را امری نامطلوب دانسته که به دسترسی جاسوسانی امریکایی و اروپایی به اسرار کشور منجر خواهد شد و بهتر است مجلس، عضویت ایران در این پروتکل را مردود اعلام کند.

**صدا،** سخنان محمدرضا باهنر نایب رئیس مجلس را در عنوان اصلی خود چاپ کرده و به نقل از وی نوشته، نمایندگان مجلس هفتم حق ندارند در مورد کل لایحه برنامه چهارم اظهار نظر کنند و ما تنها به مواردی رسیدگی می‌کنیم که مورد اشکال شورای نگهبان بوده است. در حالی که بحث استیضاح احمد خرم وزیر راه و ترابری در مجلس بالا گرفته است آقای باهنر گفته: اولین راه ما استیضاح نیست و در صورت همکاری دولت، مجلس نیازی به استفاده از این حق ندارد.

## آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و رژیم ایران

ابهام هسته‌ای

مترجم: مهران قاسمی مرکز مطالعات نیکسون (تحقیقات خاورمیانه)  
وقایع اتفاقیه - شنبه 13 تیر 1383 - 3 ژوئیه 2004

بدون تردید، اصلی‌ترین چالش کنونی دیپلماسی ایران، مسائل مرتبط با پرونده هسته‌ای است. ایالات متحده آمریکا، ایران را به تلاش مخفیانه برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و تهدید امنیت جهانی، متهم می‌کند متقابلاً مقامات ایرانی ضمن تأکید بر حق مشروع خویش برای دستیابی و استفاده از مزایای انرژی هسته‌ای، وجود هرگونه عزم و برنامه‌ای برای تولید سلاح هسته‌ای را به شدت تکذیب می‌نمایند. در این میان، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کشورهای اروپایی، برای دفع مناقشه تهران-واشنگتن درخصوص مسائل هسته‌ای، راه حل ابهام‌زدایی و اعتمادسازی را پیشنهاد کرده و معتقدند همکاری ایران با بازرسان آژانس می‌تواند واقعیت‌ها را آشکار کند. این پیشنهاد با استقبال مقامات ایرانی مواجه شد، اما دامنه چالشی که ایران آن را ناشی از انگیزه‌های سیاسی می‌داند، کماکان، رو به گسترش است. مطلب حاضر، نگاهی غربی به تلاش‌های هسته‌ای ایران است که هرچند، در اغلب موارد جانب انصاف را رعایت کرده اما بخش‌هایی از آن مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی نادرست می‌باشد و صرفاً در چارچوب اطلاع‌رسانی ارائه می‌شود.

نیروهای آمریکایی در افغانستان و عراق همچنان درگیر نبرد علیه ناراضیان مسلح و مصمم حاضر در آن مناطق هستند. ثبات سیاسی در هر دو کشور، فعلاً دور از دسترس به نظر می‌رسد. ایران در این میان از نفوذی قابل‌توجه در هر دو کشور برخوردار است. به صورت ویژه، مناطق غربی افغانستان و بخش‌های شیعه‌نشین عراق مناطق تحت نفوذ ایران محسوب می‌شوند ایران می‌توانست- در صورت تمایل- با استفاده از عناصر نظامی و یا نیروهای امنیتی خود، برای نیروهای آمریکایی، دنیایی از مشکلات به وجود آورد، اما این اقدام هرگز روی نداد. در شرایط فعلی، دو کشور در مقابل یکدیگر ایستاده و از هر نوع اقدام عملی علیه طرف مقابل خودداری کرده‌اند. با این وجود، بدیهی است که برتری ایران در وضعیت متعادل قدرت فعلی، در صورتی که دولت‌های هوادار آمریکا در کابل و بغداد کنترل کامل کشور خود را در دست گرفته و نیروهای امنیتی لازم را برای اعمال کنترل بر گروه‌های ناراضی، جنگ‌سالاران و شبه‌نظامیان قومی و مذهبی در اختیار داشته باشند، کاهش پیدا خواهد کرد.

برنامه هسته‌ای ایران

با چنین پس‌زمینه‌ای است که مباحث مرتبط با برنامه‌های تسلیحات هسته‌ای ایران، تأثیر آن بر منطقه و نحوه تعامل با آن باید مطرح و بررسی شود.

همزمان با آماده شدن نیروهای ائتلاف برای حمله به صدام حسین، در زمستان سال 2003 بود که ایران در برابر جهانیان اقرار کرد که برنامه‌های هسته‌ای این کشور بسیار فراتر از تصورات دیگران، پیشرفت داشته است. اطلاعات منتشر شده در نشریات غربی که عمدتاً از سوی نیروهای مخالف سازمان مجاهدین خلق [منافقین] در اختیار منابع غربی قرار گرفته بود، ایران را در این موضع قرار داد. مطالب منتشر شده نشان می‌داد که ایران جدا از سایر موارد، تجهیزات عظیم غنی‌سازی اورانیوم را در نطنز و همزمان تجهیزات مرتبط با آب سنگین را در اراک راه‌اندازی کرده است.

افشای این موارد را باید همزمان با موضع‌گیری ایران در مورد مسائل هسته‌ای مورد بررسی قرار داد. جمهوری اسلامی همراه یک حامی فعال معاهدات و توافقنامه‌های مرتبط با کنترل تسلیحات به ویژه به معاهدات مرتبط با عدم تکثیر تسلیحات هسته‌ای «NPT» و تسلیحات شیمیایی بوده است.

ایران از جمله کشورهای عضو هر دو معاهده است. دیپلمات‌های این کشور نیز در جریان مذاکرات کنترل تسلیحات سازمان ملل در ژنو، وین و نیویورک حضور فعال داشته‌اند. در طول سالیان گذشته، این دیپلمات‌ها تبدیل به افرادی کار کشته شده که نسبت به موضوع احاطه کامل داشته و در مورد تمامی موارد مرتبط با کنترل تسلیحات منطقه‌ای، به شدت تبخیر یافته‌اند.

ایران، همواره بر این موضوع که «استانداردهای دوگانه‌ای» در مورد اغلب عناصر امنیت بین‌المللی و نقشی که کنترل تسلیحات باید در تأمین امنیت کشورهای کمتر توسعه یافته ایفا کند، تأکید داشته است. از نگاه ایرانیان، آزردهنده‌تر هر موضوع دیگری، باید به این حقیقت اشاره کرد که در منطقه آسیای جنوب و خاورمیانه سه قدرت هسته‌ای (هندوستان، پاکستان و اسرائیل) حضور دارند که تاکنون خارج از معاهده NPT باقی مانده و بالطبع در معرض هیچ یک از محدودیت‌هایی که این معاهده بر امضاکنندگان آن اعمال می‌کند، قرار ندارند. بدین ترتیب، از نگاه ایران، اسرائیل در توسعه و ایجاد زرادخانه‌های وسیع و غنی از تسلیحات کشتار جمعی بدون هراس از روبه‌رو شدن با تنبیه‌های احتمالی، کاملاً آزاد می‌باشد و همزمان همسایگان خود را نیز با استفاده از این توانایی مورد تهدید قرار می‌دهد. ایران، علی‌رغم عضویت خود در NPT، نه تنها با فشار وسیع ایالات متحده روبه‌رو بوده بلکه بسیاری از دوستان و یا متحدین آمریکا و به طور خاص اعضای گروه G7 (هفت کشور صنعتی جهان) حتی مانع دسترسی این کشور به تکنولوژی هسته‌ای می‌شوند. ایران در تأکید بر این موضوع در جهان عرب همراهان بسیاری را یافته است. مصر، به طور خاص با همراهی با ایران بر این موضوع اصرار می‌ورزد که مسأله «بمب اسرائیل» قبل از هر نوع توافق رسمی در مورد کنترل تسلیحات و یا امنیت منطقه‌ای باید حل و فصل شود.

ایرانیان، همزمان به صورت مشابه نگران تسلیحات هسته‌ای هندوپاکستان، دو کشوری که به دلیل تغییرات قابل توجه و بنیادین سیاست آمریکا در قبال منطقه به ویژه پس از حوادث 11 سپتامبر به صورت رسمی عضو باشگاه دارندگان تسلیحات هسته‌ای شده‌اند، قرار دارد.

#### معضل اصلی

تمایل ایران به توانایی تسلیحاتی هسته‌ای مبتنی بر چند عامل کاملاً مشخص از جمله تهدید مستمر ایالات متحده علیه این کشور، حضور سایر قدرت‌های هسته‌ای در منطقه و تمایل برای دستیابی به تعادل هسته‌ای با سایر کشورهای منطقه چه در میان رهبران نظامی و چه غیرنظامی ایران است.

مشکل هسته‌ای میان ایران و ایالات متحده باتوجه به وضعیت پیشرفته برنامه هسته‌ای ایران و نیز وجود شواهدی دال بر تلاش ایران در پیشبرد برنامه تسلیحاتی خود، اکنون تبدیل به معضلی اصلی شده است. در حال حاضر در مورد این که آیا تهران تصمیم‌نهایی برای ساخت بمب هسته‌ای را اخذ کرده یا خیر؟ تردیدی جدی وجود دارد.

تلاش ایران برای کسب زیرساخت‌های هسته‌ای چیز چندان تازه‌ای نیست. این مسأله به دوران شاه [مخلوع] ایران در دهه 1970 باز می‌گردد. در شرایط فعلی فقط می‌توان با قطعیت به این موضوع اشاره کرد که دولت ایران براین باور است که به موجب مفاد NPT، این کشور مجاز به دستیابی به سیکل کامل سوخت هسته‌ای است تنها به این شرط که تمامی جزئیات مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای خود را در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، قرار داده و آنها را نسبت به برنامه‌های خود آگاه سازد. این دقیقاً، کاری است که ایران تا پیش از افشای شواهدی متعدد دال بر فریب آژانس از سوی این کشور در طی سالیان متمادی چندان تمایلی به انجام آن نداشته است.

در شرایط فعلی نخستین اولویت ایران، که انجام آن چندان هم ساده نیست، رفع این تصور و شبهه است که ایران، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را که باید از تمامی جزئیات فعالیت‌های ایران آگاه می‌بود، فریب داده است. رفع این شبهه می‌تواند تلاش ایران برای تعقیب جریان دستیابی به سیکل سوخت هسته‌ای مشروعیت دهد.

مسأله اصلی اکنون این است که در حالی که ایران از لحاظ فنی کاملاً حق و اجازه دستیابی به سیکل کامل سوخت هسته‌ای را دارد به‌ویژه باتوجه به مفاد NPT، اما این مسأله چه برای کشورهای اروپایی و چه ایالات متحده غیرقابل قبول است. دستیابی به سیکل کامل سوخت هسته‌ای، به ایران این امکان را می‌دهد که تمامی اجزای لازم برای ساخت بمب، از جمله اورانیوم و پلوتونیوم غنی شده را، حتی در صورت عدم تلاش برای دسترسی به تسلیحات هسته‌ای، در اختیار خواهند داشت. در این شرایط، یک تغییر ناگهانی و انتقال از فاز برنامه صلح‌آمیز به برنامه‌ای نظامی-که بدون برانگیختن توجه دیگران نیز امکان‌پذیر است-می‌تواند باعث دستیابی این کشور به بمب هسته‌ای شود. این نوع تغییر موضع سریع، نه تنها در مورد ایران بلکه در مورد سایر کشورهای NPT را امضا کرده و همزمان سیکل کامل سوخت هسته‌ای را نیز در اختیار دارند، می‌تواند به سادگی صورت گیرد. برای مثال آلمان، ژاپن یا کانادا، حال به هر دلیلی، در صورت تمایل می‌توانند نسبت به ساخت بمب اقدام کنند. این مسأله از لحظه تصمیم‌گیری تا اجرا تنها چندماه به‌طول خواهد انجامید. باتوجه به این شرایط ابهام

موجود در مورد بمب ایران، همچنان که با زیرساخت‌های هسته‌ای ایران مرتبط است، با طراحی بمب و طرح‌های ایران برای افزودن بمب هسته‌ای به زرادخانه نظامی این کشور نیز ارتباط تنگاتنگ دارد.

تشویق ایران به دست کشیدن از تلاش برای دستیابی به سیکل کامل سوختی، نیازمند فراهم آوردن مجموعه‌ای بسیار دقیق از توافقات است. توافقاتی که در جریان آن باید پرداخت غرامت و همزمان جبران خسارات وارد آمده بر ایران نیز گنجانده شود. اگر ایران به درخواست خود مبنی بر دستیابی به سیکل سوختی کامل پایان داده اما همزمان برحق خود مبنی بر دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای مصر باشد، بدیهی است که باید ترتیبات بین‌المللی لازم برای تضمین دستیابی ایران به سوخت هسته‌ای در نظر گرفته شود. در اینجا، دیگر، تضمین روسیه و یا هر کشور دیگری مبنی بر فراهم آوردن این سوخت مورد نیاز کافی نیست. ایرانیان هنگامی که مسأله انتقال تکنولوژی‌های حساس به میان می‌آید، دلایل بسیاری برای بدبینی، حتی نسبت به تعهدات بین‌المللی دارند.

برای نمونه جنگ ایران و عراق را به‌خاطر بیاورید. در جریان این جنگ تحریمی هراسناک و بسیار مؤثر علیه ایران اعمال شد و این کشور امکان خرید تسلیحات و قطعات یدکی برای هواپیماهای فوق پیشرفته آمریکایی خود را از دست داد. این مسأله، تأثیری بسیار محدودکننده بر توانایی‌های نظامی ایران داشت. در نقطه مقابل، عراق نه تنها در معرض تحریم‌ها قرار نداشت بلکه امکان خرید مقادیر انبوهی از تسلیحات و تجهیزات فرانسوی، چینی و روسی را داشت. زمین‌گیر شدن نیروی هوایی ایران در جنگ شاید بیشترین ضربه را به نیروی ارتش ایران وارد ساخت، ارتشی که در نیروهای رودرو و زمینی نشان داده بود که از برتری‌های بسیاری برخوردار است. تجربه تلخ این جنگ به همراه این واقعیت که حتی در هنگام بکارگیری تسلیحات شیمیایی از سوی عراق علیه ایران، جامعه بین‌المللی همچنان در کنار عراق قرار داشت، تهران را به شدت در مورد وابستگی آتی به فعالان بین‌المللی و تمایل آنان برای در نظر گرفتن امنیت ملی ایران، نگران و همزمان بدبین کرده است.

ایران می‌گوید که برای تولید الکتروسیته به انرژی هسته‌ای نیازمند است چرا که نمی‌خواهد منابع سوخت فسیلی خود را صرف مصارف داخلی کند. در حالی که این استدلال، به دلیل امکان دسترسی ایران به مولدهای گاز طبیعی برای تولید الکتروسیته، قابل خدشه است، اما ایرانیان نیز در مقابل به کشورهای بسیار غنی از لحاظ سوخت‌های فسیلی اشاره می‌کنند که انرژی هسته‌ای را به عنوان روشی برای تولید الکتروسیته برگزیده‌اند.

در چنین شرایطی می‌توان انرژی هسته‌ای را به عنوان راهی معقول برای تولید الکتروسیته در نظر گرفت. به نظر می‌رسد که راه‌هایی شاید به مراتب مؤثرتر، برای بهبود وضعیت بخش انرژی ایران، به جز سرمایه‌گذاری هنگفت در بخش انرژی هسته‌ای نیز وجود دارد. این راه‌ها شامل بازسازی بنیادین اقتصاد ایران و حذف تدریجی پاراندهای عظیم سوخت- با توجه به اینکه نفت و سوخت در ایران از جمله ارزان‌ترین موارد در جهان محسوب می‌شوند- می‌شوند. با این وجود، ایرانیان ممکن است به این مسأله اشاره کنند که فروش گاز طبیعی و نفت باید همچنان به عنوان صادرات عمده این کشور در آینده باقی بماند. بنابراین، این مبحث که ایران همچنان به انرژی هسته‌ای نیازمند است، در داخل این کشور هواداران بسیاری دارد. این موضوع دیگر مسأله‌ای مورد مناقشه میان اقتدارگرایان و میانه‌روها نیست، بلکه موضوعی است که ایرانیان به آن بر اساس نیاز خود به انرژی و بازار بین‌المللی انرژی می‌نگرند.

تصمیمات پیچیده مرتبط با آینده انرژی ایران، تنها در صورتی قابل بحث و بررسی است که امکان دیالوگ با رژیم حاکم بر ایران فراهم آمده و همزمان این رژیم آماده مطرح کردن نیازهای خود به صورت کامل و آشکار باشد. اظهارات بی‌پایه‌ای مانند اینکه ایران به دلیل ذخایر غنی نفت و گاز خود، نیازی به انرژی هسته‌ای ندارد، هرگز برای ایرانیان قابل قبول نیست، مگر اینکه این ادعاها با شواهدی کاملاً واضح و غیرقابل تشکیک همراه باشد.

#### موارد ضروری برای ساخت تسلیحات هسته‌ای

برای تعیین این موضوع که ایران تا چه حد در توسعه برنامه هسته‌ای خود جدي است، ابتدا باید موارد ضروری که يك کشور برای توسعه تسلیحات هسته‌ای خود به آنها دست یابد را مرور کرد. ایران مانند سایر کشورهای متمایل به کسب قدرت هسته‌ای باید به مواردی چون دانش شیمی، فیزیک و مهندسی مرتبط با ساخت تسلیحات هسته‌ای، دست یابد. برای ساخت کلاهک‌های مورد استفاده در تسلیحات هسته‌ای به دو عنصر نیاز است؛ اورانیوم 235 و پلوتونیوم 239، هیچکدام از این دو عنصر به صورت طبیعی قابل دسترسی نیستند. برای تولید اورانیوم 235 یا پلوتونیوم 239، فرآیندی پیچیده برای غنی‌سازی هگزافلوراید اورانیوم، گازی مشتق شده از اکسید اورانیوم، باید طی شود. این روش غنی‌سازی زمان بر و بسیار گران است. با این وجود هنگامی که اورانیوم 235 تولید شد، امکان تبدیل آن به يك سلاح کاربردی، با بکارگیری يك وسیله تفنگ مانند ساده که جرم مادون بحرانی از اورانیوم

235 را به جرم مادون بحرانی دیگری از همین ماده در انتهای یک محفظه شلیک می‌کند، وجود دارد. ترکیب این دو جرم، باعث شکل‌گیری جرم بحرانی و در نهایت شکل‌گیری فیزیون می‌شود. نخستین بمب اتمی که در اوت 1945 بر هیروشیما انداخته شد یک بمب اورانیومی بود. این بمب هرگز پیش از آن آزمایش نشده بود. آزمایش مشهور «تری نیتی» که تنها چند هفته پیش از آن در 16 ژوئیه 1945 در آلاماگاردو در نیومکزیکو انجام شد، نخستین انفجار هسته‌ای تاریخ بود. این آزمایش با استفاده از یک ابزار پلوتونیومی مشابه بمبی که در 9 اوت 1945 بر ناکازاکی انداخته شد، صورت گرفت. در حالی که تجهیزات پلوتونیومی به مواد هسته‌ای کمتری در مقایسه با بمب اورانیومی نیاز دارند، اما کار با پلوتونیوم بکار گرفته شده در این تجهیزات به شدت خطرناک است چرا که عنصر پلوتونیوم 240 به شدت رادیواکتیو بوده و ایزوتوپ‌های آن بسیار بی‌ثبات می‌باشند. بدین ترتیب برای ساخت بمب پلوتونیومی به تجهیزات بسیار پیچیده‌تر از بمب اورانیومی نیاز است. در حالی که در بمب اورانیومی از روش شلیک استفاده می‌شود، اما در ساخت بمب پلوتونیومی به تجهیزاتی با مهندس پیچیده و بسیار دشوار نیاز است. در این روش، پلوتونیوم غنی‌شده توسط مواد انفجاری قوی احاطه شده و انفجار این مواد موجی قوی به سمت مواد پلوتونیومی- که در جرمی فوق بحرانی قرار دارند- فرستاده و در نهایت انفجار هسته‌ای روی می‌دهد.

پرسش اصلی اکنون این است که ایران از لحاظ این توانایی‌ها در چه مرحله‌ای قرار دارد؟ ایران خود اقرار می‌کند که به سیکل کامل سوخت هسته‌ای دست یافته است. به هر حال، راه‌های دیگری نیز وجود دارد که ایران، می‌تواند به مواد لازم برای تسلیحات خود دست یابد. این مواد، می‌تواند از طریق منابع غیرقانونی بین‌المللی خریداری شده و یا به صورت مخفیانه از طریق سوخت مصرفی راکتور هسته‌ای بوشهر- که روس‌ها در ساخت و تأمین پلوتونیوم آن مشارکت دارند- تأمین شود.

بازار سیاه، به صورت آشکار دارای مزایای فراوانی است. این مواد در مقایسه با سایر روش‌ها با قیمتی به مراتب پایین‌تر و سهل‌تر در اختیار ایران قرار می‌گیرند.

با این وجود، مقدار این مواد، به شدت محدود بوده و با توجه به اینکه انتقال آن، کاملاً غیرقانونی است و می‌تواند باعث اعمال خودکار تحریم‌های تعیین‌شده به موجب معاهده NPT شود، روشی بسیار خطرناک محسوب می‌شود. از سوی دیگر به کیفیت این مواد نیز همواره باید با دیده تردید نگریسته شود. موارد بسیاری وجود دارد که مواد قاچاق شده از اتحاد جماهیر شوروی که در حال انتقال به خریداران بوده، کشف شده و پس از آزمایشات مشخص شده که این مواد، عملاً، قابل استفاده نبوده‌اند.

این روش تنها در شرایطی می‌تواند مفید باشد که هدف کشور تنها داشتن یک یا دو بمب هسته‌ای و پنهان کردن آن در زیرزمین یا انباری باشد!

تأمین این مواد از نیروگاه بوشهر هم معضلات خاص خود را دارد. توافق ایران با روسیه برای ساخت نیروگاه بوشهر متضمن این شرط است که روسیه سوخت هسته‌ای نیروگاه را تأمین کرده و پس از استفاده، این سوخت را برای بازیافت یا دفن در روسیه، بازپس خواهد گرفت. راکتور بوشهر، در این شرایط باید مورد بررسی دقیق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گیرد، چرا که ایران از جمله اعضای پیمان NPT محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، تأمین سوخت از بوشهر، عملی بسیار خطرناک بوده و احتمال کشف این عمل غیرقانونی، کاملاً آشکار و قطعی است.

سومین و امن‌ترین راه به دست آوردن منبعی دائمی از مواد لازم برای تسلیحات هسته‌ای، فرآوری آن توسط خود کشور است. این امر به معنی کشف و استخراج معادن اورانیوم به همراه تجهیزات لازم برای تبدیل، تجهیزات تولید سوخت، تجهیزات غنی‌سازی و تمامی مراکز و تجهیزات دیگر مورد لزوم برای تولید مواد مورد نیاز در ساخت تسلیحات هسته‌ای است. این فرآیند با اکتشاف و استخراج سنگ اورانیوم، تبدیل آن به اکسید اورانیوم از طریق روش‌های شیمیایی، تبدیل اکسید اورانیوم به گاز هگزافلوراید اورانیوم و سپس جداسازی ایزوتوپ‌های اورانیوم- که می‌توانند در تولید اورانیوم با غلظت پایین «LEU» و یا اورانیوم با غلظت بالا «HEU» مورد استفاده قرار گیرند- تکمیل می‌شود. دی‌اکسید اورانیوم یا اورانیوم دارای غلظت پایین «LEU» را می‌توان برای راکتورهای هسته‌ای بکار گرفت. در راکتور هسته‌ای، مقداری از این اورانیوم تبدیل به پلوتونیوم می‌شود. این ماده را می‌توان با فرآیند جداسازی شیمیایی از راکتور خارج کرد. بنابراین، اگر کشوری بخواهد به سمت تسلیحات پلوتونیومی برود، باید راکتورهای هسته‌ای این کشور، محصولات جانبی پلوتونیومی تولید کرده و همزمان تجهیزات جداسازی پیچیده‌ای برای جداسازی پلوتونیوم و دستیابی به مواد لازم برای ساخت تسلیحات هسته‌ای ایجاد شوند. در این حالت نیازی به تلاش برای دستیابی به اورانیوم با غلظت بالا- با توجه به دشواری و گران بودن فرآیند تولید آن- نیست. اما باید همان‌گونه که پیشتر اشاره شد به این موضوع توجه داشت که پلوتونیوم ماده‌ای به شدت خطرناک بوده و کارکردن با آن بسیار دشوار است و از سوی دیگر فرآیند ساخت بمب‌های پلوتونیومی شامل مهندسی بسیار پیچیده و دشواری می‌گردد.

ایران برای آنکه کاملاً خودکفا باشد، باید تمامی مؤلفه‌های شکل‌دهنده سیکل کامل سوخت هسته‌ای را ایجاد کند. این موارد شامل فعالیت‌های «front end» و «back end» می‌شود. فعالیت‌های front end شامل استخراج معدن، تبدیل، غنی‌سازی و تولید سوخت هسته‌ای می‌شوند. فعالیت‌های back end شامل فعالیت‌هایی می‌شوند که پس از استفاده از سوخت انجام می‌شود؛ مواردی چون بازآوری سوخت مصرف شده برای تولید پلوتونیوم و یا دفن سوخت مصرفی (که فرآیندی هزینه‌بر و به شدت خطرناک است). در این فرآیندها، میله‌های سوخت مصرفی از رآکتور خارج شده و چندین ماه در محفظه‌های خنک‌کننده قرار می‌گیرند. مدت زمان نگهداری این میله‌ها در محفظه‌های خنک‌کننده بستگی به نحوه دفن آنها دارد.

پس از خنک‌سازی، غلاف قطور فلزی میله‌ها برداشته شده و سوخت مصرفی در محفظه‌ای حاوی اسید نیتريك و سایر مواد شیمیایی قرار می‌گیرد. در جریان فرآیند شیمیایی شکل گرفته، پلوتونیوم و اورانیوم از مواد زاید جدا می‌شوند. پلوتونیوم و اورانیوم جدا شده را می‌توان بار دیگر به عنوان سوخت هسته‌ای بکار گرفت. در صورتی که مواد جدا شده از خلوص مناسب برخوردار باشند، امکان استفاده از آنها در ساخت تسلیحات هسته‌ای نیز وجود دارد.

از فوریه 2003 تاکنون، اطلاعات بیشتری در مورد توانایی‌های هسته‌ای ایران منتشر شده است. این اطلاعات حاصل بازرسی‌های گسترده آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای در پاییز 2003 و بهار 2004 است. گزارش‌های منتشر شده از این بازرسی‌ها، هرچند با توجه به زبان بوروکراتیک به خدمت گرفته شده به نحوی هستند که امکان رنجش طرفین را به حداقل برسانند، اما شواهدی بسیار آشکار در مورد سطح توانایی‌های هسته‌ای ایران را در اختیار می‌گذارند. به موجب این شواهد، توانایی‌های هسته‌ای ایران، بسیار فراتر از تولید موارد قابل فیزیون است. هرچند ایران تلاشی برای تولید مواد لازم برای ساخت جنگ‌افزارهای هسته‌ای از خود نشان نداده است، اما سطح توانایی‌های هسته‌ای این کشور به نحو حیرت‌انگیزی افزایش یافته است.

#### گفتگو های ایران و اروپا در سایه ادعاهای تازه و تکراری آمریکا جمعه 12 تیر 1383 - 2 ژوئیه 2004

خبرگزاری "مهر" - سرویس سیاسی : گفتگوهای ایران و سه کشور اروپایی پیرامون مسائل هسته‌ای و همکاری‌های ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آغاز شده است و این در حالی است که نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی بر تکمیل ظرفیت پذیرش تعهدات داوطلبانه از طرف ایران در این گفتگوها تاکید می‌کنند.

هفته اخیر با يك خبرجنجالي در رسانه های غربي مبنی بر اعلام لغو توافقات بروکسل ازسوي تهران در پی نقض تعهدات توسط سه کشور اروپایی آغاز شد . دکتر حسن روحانی دبیر شورای عالی امنیت ملی که روز یکشنبه برای ارایه توضیح در خصوص آخرین وضع پرونده و فعالیتهای هسته‌ای ایران به مجلس آمده بود در این باره گفت : درنامه به سه کشور اروپایی اعلام کردیم که جمهوری اسلامی ایران از نهم تیرماه فعالیت قطعه سازی و مونتاژ دستگاههای سانتریفوژ را آغاز می‌کند.

وي در جمع خبرنگاران پارلماني گفت: در این نامه بیان کردیم که ما توافقی با سه کشور اروپایی در 23 فوریه سال 2004 داشتیم که آن توافق را سه وزیر در تاریخ 26 فوریه تایید کردند و ما در انجام آن توافق، قطعه سازی و مونتاژ را به تعلیق درآورده بودیم.

روحانی افزود: چون سه کشور نتوانستند به تعهد خود در نشست ژوئیه شورای حکام مبنی بر تلاش برای خروج پرونده ایران از دستور کار شورای حکام ، عمل کنند ، جمهوری اسلامی ایران فعالیتهای هسته‌ای خود را به قبل از شرایط 26 فوریه باز می‌گرداند. دبیرشورای عالی امنیت ملی در عین حال از ادامه گفتگو با سه کشور اروپایی درباره همکاری‌های ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در همین هفته خبر داد .

علاء الدین بروجردي رییس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با تاکید بر اینکه باید نه تنها ساخت دستگاه های غنی سازی بلکه خود غنی سازی را از سر بگیریم در باره این گفتگو ها ابراز امید واری کرد این گفتگوها بنای فرو ریخته اعتماد ایران را نسبت به اروپا باز سازی کند .

حمید رضا حاج بابایی عضو هیات ریسه مجلس شورای اسلامی و از اعضای کمیسیون امنیت ملی نیز تاکید کرد : در مذاکرات ایران و اروپا ، مطمئنا نه دولت امتیاز دیگری به اروپا می‌دهد و نه مجلس اجازه چنین کاری را به دولت خواهد داد .

حسین شیخ الاسلام نماینده تهران با اشاره به روسیاهی اروپا درنقض توافق نامه با تهران گفت: در مذاکرات مجدد خود با اروپا در خصوص فعالیت های هسته‌ای باید از تجربیات گفتگوهای گذشته درس بگیریم و اگر همان روش و شیوه را در پیش بگیریم به طور یقین باز هم به نتیجه نخواهیم رسید.

حشمت الله فلاح پيشه عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تاکید کرد: با اجرای پيش از تصويب پروتکل الحاقی حقوق مجلس نادیده گرفته شد و اگر بنا باشد دولت بیش از این تعهد بپذیرد مطمئناً دیگر توان توجیه و مشروعیت بخشیدن به آن را در برابر مجلس و ملت نخواهد داشت. الهام امین زاده دیگر عضو این کمیسیون نیز در باره این گفتگوها گفت: مذاکراتی که در آن ایران از حقوق به حق خود در قبال وعده های اروپا چشم ببوشد به هیچ عنوان قابل پذیرش نیست. این در حالی بود که سران اتحادیه اروپا و آمریکا پس از اجلاس خود در دوبلین ایرلند در بیانیه ای، از تصمیم ایران مبنی بر از سرگیری ساخت قطعات سانتریفوژ ابراز نگرانی کردند و از ایران خواستند در این تصمیم خود تجدید نظر کند.

روحانی روز یکشنبه در راهرو مجلس به سوالات خبرنگاران در خصوص ساختمان لویزان نیز توضیح داد. جان بولتون معاون وزیر امور خارجه آمریکا همزمان با نشست اخیر شورای حکام در پی اعتراف آژانس به اشتباه در گزارش فعالیت های هسته ای ایران و ناکامی از یافتن همصدا برای تاکید بر ضرورت ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت، ادعا کرده بود که عکس و نشانی يك سایت هسته ای اعلام نشده را در تهران در اختیار دارد که به تازگی تخریب شده است. گرچه این موضوع مورد توجه دیپلماتها در وین واقع نشد اما بستر مناسبی برای جنجال های تبلیغاتی رسانه های غربی فراهم کرد و مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی را نیز چون همیشه به تجدید نظر در اظهاراتش و اعزام بازرسی به منطقه واداشت. حال آنکه البرادعی پیشتر این موضوع را رد کرده و گفته بود که آژانس همواره خبرهای مختلفی را از مناطق مختلف جهان دریافت می کند و قابل قبول نیست که هر ادعایی را به صرف طرح آن پیگیری نماید.

با وجود این مقامات ایران ضمن دعوت سریع از بازرسان برای بازدید از مکان مورد ادعای آمریکا در شمال شرق تهران، در خصوص کاربری و دلیل تخریب این محل توضیح دادند.

دبیرشورای عالی امنیت ملی در جمع خبرنگاران پارلمانی درباره ساختمان لویزان گفت: لویزان یکی از مناطقی بود که بین شهرداری و وزارت دفاع سالها محل اختلاف بود، شهرداری مدعی بود آنجا مکانی است که طبق طرح شهرداری باید پارک باشد و زمین هم متعلق به شهرداری است و براین اساس اخیراً توافق کرده اند که آن منطقه را برای ساخت همان پارکی که طرح ساخت آن وجود دارد، خراب کنند و در اختیار شهرداری قرار دهند.

وی اضافه کرد: اخیراً توافق کرده اند که آن منطقه را برای ساخت همان پارکی که طرح ساخت آن وجود دارد، خراب کنند و در اختیار شهرداری قرار دهند.

بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی در این هفته از این منطقه دیدن و از آن نمونه برداری کردند و در پی آن محمد البرادعی که برای شرکت در کنفرانس 50 سال فعالیت های صلح آمیز هسته ای در مسکو به سر می برد همکاری ایران با بازرسان را قابل تقدیر خواند اما از تصمیم ایران برای از سرگیری ساخت دستگاه های غنی سازی ابراز نگرانی کرد. خبرگزاری فرانسه گزارش داد: محمد البرادعی از ایران خواست تا از تصمیمش برای از سرگیری فعالیت های مربوط به غنی سازی اورانیوم دست بردارد. وی پس از دیدار با الکساندر رومیانتسوف، رییس سازمان انرژی اتمی روسیه گفت: امیدوارم ایران همان طور که پیش از این به ما تعهد داده بود، به تعلیق جامع فعالیت های بازگردد، امیدوارم این اقدام گام بزرگی به عقب نباشد.

این گزارش ادامه داد: البرادعی از ایران خواست تا شکایت از اروپایی ها را رها کرده و بر همکاری با آژانس بین المللی انرژی اتمی متمرکز شود.

این اظهارات در حالی عنوان شد که دیپلمات های مستقر در وین می گفتند موضع گیری آژانس در این باره جایگاه حقوقی ندارد و اگر مقامات آژانس بخواهند موضعی برخلاف حق قانونی ایران اتخاذ کنند در حقیقت مرتکب اقدامی غیر قانونی شده اند.

به گفته این دیپلماتها، تعلیق غنی سازی اورانیوم و یا ساخت دستگاه های سانتریفوژ محل مناقشه ایران و کشورهای اروپایی یا بطور کلی تعدادی از اعضای شورای حکام است و ارتباطی با آژانس و مدیر کل آن ندارد.

یک دیپلمات در ایرانی در وین در گفتگو با خبرنگار مهر توضیح داد: تعلیق غنی سازی یا دستگاه های مربوط به آن يك اقدام اعتمادساز و قرارى بین ما و کشورهای یاد شده است، ایران به همکاری کامل با آژانس ادامه خواهد داد و برتوافقنامه 21 اکتبر گذشته با طرف های اروپایی مبنی بر تعلیق غنی سازی به صورت داوطلبانه پایبند خواهد بود، لکن به خاطر عدول این سه کشور از توافقات فوریه بروکسل و بر اساس حقوق حقه خود طبق مقررات آژانس و همچنین پذیرش بازرسان ساخت قطعات، مونتاژ سانتریفوژ و علاوه بر آن انجام تست دوران بر روی تجهیزات غنی سازی را البته بدون استفاده از مواد موثر هسته ای عملی خواهد کرد.

در هفته گذشته موضع گیری مقامات آمریکا علیه فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی ایران نیز همچنان در کنار جو سازی های رسانه ای ادامه داشت.

کالین پاول وزیر امور خارجه آمریکا با تکرار ادعاهای همیشگی درباره برنامه هسته ای مسالمت آمیز ایران مدعی شد ایران همه چیز را درباره برنامه هسته ای خود به جهانیان نگفته است.

پاول در پاسخ به سوالات روزنامه عکاظ عربستان گفت: ما سال گذشته موفق شدیم فشارهای شدیدی بر ایران از خلال آژانس بین المللی انرژی اتمی و فعالیت وزیران امور خارجه سه کشور اروپایی و خود آمریکا وارد کنیم و جهانیان را از خطرات برنامه ایران آگاه کنیم. وزیر امور خارجه آمریکا ادعا کرد: اما ایران به سوالات ما جواب نداده است و به گونه ای رفتار می کند که با بیانیه ها و تعهداتش همخوانی و همسوئی ندارد، معتقدم که اکنون روشن شده است که ایران همه چیز را به جهانیان نگفته و حتی امروز هم نمی گوید؛ معتقدم سوالاتی وجود دارد که ایران باید به آن پاسخ دهد.

پاول گفت: من از قطعنامه اخیر شورای حکام درباره ایران خیلی خوشحال و خوشبخت شدم، آژانس ماه سپتامبر و نیز ماه نوامبر فرصت دارد به فشارهایش بر ایران ادامه دهد و درباره تمام این مسائل بازنگری و تجدید نظر کند.

وی افزود: جامعه بین الملل به سادگی از کنار اقدامات ایران تا زمانی که این کشور در این مسیر گام بر می دارد، نخواهد گذشت؛ من معتقدم از سوی جامعه بین الملل بویژه از سوی روسیه تلاش های یکپارچه ای برای متقاعد کردن ایران به اینکه باید در مسیر تولید نکردن سلاح هسته ای گام بر ندارد، در حال انجام است.

آدام ارلی معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا نیز بار دیگر با تکرار این اتهام که ایران به دنبال سلاح هسته ای است بدون ذکر دلیلی ادعا کرد که ایران همچنان به پنهان سازی آنچه وی آن را "جاه طلبی های به منظور تولید تسلیحات هسته ای" خواند، ادامه می دهد.

همچنین کاندولیزا رایس، مشاور امنیت ملی بوش در گفتگو با شبکه ی خبری فاکس نیوز با تکرار ادعاهای آمریکا مبنی بر این که ایران به دنبال سلاح هسته ای است، مدعی شد: ایران هم چنان به صورت کشوری خطرناک (!) تلاش می کند توانایی اش را برای استفاده از انرژی هسته ای با اهداف نظامی و حتی تولید سلاح هسته ای گسترش دهد.

مشاور امنیت ملی بوش به پیروی از رییس جمهور آمریکا در اتهام آفرینی نسبت به ایران بدون ارایه دلیلی ادامه داد: ایرانی ها هر روز نشان می دهند که چرا آمریکا در خصوص آنها بسیار سختگیر است و این که چرا وقتی رییس جمهور در سال 2002 درباره ی عراق، کره ی و ایران صحبت می کرد، تهران را در محور شرارت قرار داد.

وی در پی ادعاهایش افزود که واشنگتن برای ترغیب ایران به رها کردن آنچه وی آن را "جاه طلبی های تسلیحاتی هسته ای" خواند با متحدین اروپایی اش و با آژانس بین المللی انرژی اتمی همکاری می کند؛ در غیر این صورت ایران در انزوا قرار خواهد گرفت.

رایس همچنین مانند وزیر امور خارجه آمریکا تاکید کرد که آمریکا روسیه را برای کنترل انتقال تکنولوژی هسته ای به ایران تحت فشار قرار می دهد.

با این وجود مقامات مسکو همزمان با حضور البرادعی در این شهر تاکید کردند روسیه در سایه نظارت آژانس بین المللی انرژی اتمی به همکاری های هسته ای خود با ایران ادامه خواهد داد. روزنامه ی استریت تایمز به اشاره به اینکه روسیه برای قطع همکاری هسته ای اش با ایران در بوشهر تحت فشار آمریکا بوده است به نقل از الکساندر رومیانتسوف نوشت: روسیه با ایران در زمینه پروژه بوشهر همکاری می کند.

روزنامه ی روسی گزتا نیز به نقل از الکساندر رومیانتسوف، رییس سازمان انرژی اتمی روسیه نوشت: ما در خصوص امضای توافقنامه بازگشت سوخت هسته ای مصرف شده در بوشهر به مسکو با هیچ گونه مشکلی مواجه نیستیم.

این روزنامه ادامه داد: برای این که راکتور 1000 مگاواتی بوشهر اواخر سال 2005 میلادی آغاز به کار کند و در سال 2006 قابلیت کامل را پیدا کند، این توافقنامه باید به زودی به امضای طرفین برسد و به محض امضای قرارداد روسیه، سوخت را به بوشهر منتقل خواهد کرد.

به نوشته این روزنامه البرادعی نیز در این باره گفت: وظیفه ما این است که اطمینان یابیم زمانی که نیروگاه بوشهر تکمیل شد تحت بررسی قرار می گیرد و برای اهداف صلح آمیز مورد استفاده قرار می گیرد.

## گوناگون

بلیت رفت نخبگان ایرانی برگشت ندارد

جمعه 12 تیر 1383 - 2 ژوئیه 2004

گروه اجتماعی خبرگزاری مهر - خروج پی در پی نخبگان علمی از کشور طی سالهای گذشته روند رو به رشدی به خود گرفته و هر ساله بر آمار دانشجویان ایرانی حاضر در کشورهای در حال توسعه افزوده می شود. در این بین برخی از صاحب نظران، مهاجرت نخبگان به خارج از کشور را يك ميل عمومي و امر طبیعی در بین این قشر جامعه تلقی می کنند و معتقدند به آسانی نمی توان مانع این تمایل ایجاد شده گردید.

به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری "مهر"، این قبیل مهاجرت ها از سوی قشر دانشجوی و نخبه کشور می تواند پیام های مثبت و منفی برای جامعه به همراه داشته باشد. به عبارتی می توان پیام منفی مهاجرت را در نبود توانایی جذب نخبگان کشور در داخل جستجو کرد، از سوی دیگر مهاجرت نخبگان دارای پیام های مثبتی نیز برای کشور مبدا به همراه دارد و آن داد و ستد علمی است که در قبال مهاجرت نخبگان امکان پذیر می شود. نخبگان مهاجر می توانند در کشورهای توسعه یافته به عنوان یک دانشمند مقیم به کشور خود کمک کنند و یک پل ارتباطی میان جامعه خود و سایر جوامع پیشرفته برای انتقال علم تلقی شوند. با تمام این تفاسیر شکل مطلوب و ایده آل در این زمینه آن است که ما بتوانیم با فراهم کردن شرایط در همه زمینه ها در داخل کشور، دانشمندان مقیم خارج را جذب کنیم و از توانایی های آنان استفاده کنیم.

بنا بر همین گزارش در پی تصویب آیین نامه اعزام به خارج با هزینه مشخص و ایجاد واحدی به این نام در سال 81 در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری 208 نفر جهت ادامه تحصیل در دانشگاه های خارجی اعزام شدند که از میان این تعداد 107 نفر موفق به دریافت بورس تحصیلی از دانشگاه های خارجی شدند و بقیه با تقبل شخصی هزینه ها مشغول به تحصیل گردیدند. افراد اعزامی با هزینه های شخصی در گروه های علمی علوم انسانی، پایه، فنی، کشاورزی و هنر در یکی از دانشگاه های مورد تایید خارجی مشغول به تحصیل شده اند.

مدیرکل اداره بورس دانشجویان خارج وزارت علوم در خصوص نحوه برخورد با دانشجویان مستنکف می گوید: چنانچه دانشجوی پس از اتمام تحصیل به کشور مراجعت نکند به دانشجوی و ضامن او تذکر داده می شود و در صورتی که دانشجوی از مراجعت به کشور استنکاف بورزد پیگیر حقوقی آن صورت گرفته و هزینه های دانشجوی در طول مدت اقامت و تحصیل در خارج از کشور مشخص می شود و چنانچه دانشجوی اصرار به عدم بازگشت داشته باشد مراحل بعدی در دادگاه پیگیری می شود.

براساس مقررات وزارت علوم دانشجویانی که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور اعزام می شوند یک وثیقه با توجه به کشور محل تحصیل دانشجویان و هزینه ها بین 50 تا یکصد میلیون تومان متغیر است، ضمن اینکه برای افرادی که قادر به تامین این وثیقه نیستند علاوه بر وثیقه ملکی که میزان آن کمتر از این میزان است باید دونفر کارمند رسمی دولت نیز در قبال اعزام دانشجوی تعهد کارمندی بسپارند.

مطابق گزارش های ارایه شده از سوی اداره کل بورس و امور دانشجویان خارج، در سال 81 دوهزار و 17 نفر دانشجوی بورس داخل دانشگاه های کشور بوده اند که از این تعداد 90 درصد دانشجوی پسر و 10 درصد دختر بوده اند اما از سوی دیگر در همان سال 336 نفر برای ادامه تحصیل در دانشگاه های خارجی اعزام شده اند که از این تعداد 184 نفر مرئی دانشگاه و بقیه افرادی بوده اند که از سوی کمیته بورس براساس آنها احکام اعزام صادر شده است.

بنابر همین گزارش در سال 81 جمعاً یکهزار و 266 دانشجوی مشغول به تحصیل در خارج از کشور وجود داشته که از میان این عده به ترتیب 13/28 درصد افراد در دانشگاه های انگلستان، 2/12 درصد در دانشگاه های کانادا و 5/11 درصد در فرانسه مشغول به تحصیل هستند.

طبق آمار این اداره کل در سال 81 تعداد 157 نفر از دانشجویان اعزامی به کشور مراجعت کردند و این در حالی است که بر اساس آمار سال 77 و 78 به طور متوسط 175 نفر جهت ادامه تحصیل در دوره های دکتری کامل به خارج از کشور اعزام شده اند و انتظار می رود تا سال 81 به همین تعداد به کشور مراجعت نموده باشند.

شایان ذکر است که از 240 مدال آوری که در المپیادهای مختلف شرکت کرده بودند 120 نفر آنها تا کنون از کشور خارج شده که از این میان بیش از 90 نفر در ایالت های مختلف آمریکا اقامت کرده اند.

عرب ها به دنبال جذب نخبه های ایرانی

کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله دبی، امارات و شارجه در حالی برای جذب دانشجویان کشورهای همسایه به ویژه دانشجویان ایرانی در صدد توسعه دانشگاه های بین المللی خود هستند که مسئولان کشور هیچ گونه سیاست گذاری برای مهار مهاجرت دانشجویان ایرانی به این کشورها ندارند. گزارش ها حکایت از مهاجرت سه هزار دانشجوی ایرانی به دانشگاه های غیردولتی و تازه تاسیس امارات دارد که در حال حاضر با هزینه سالانه 60 تا 70 میلیون دلار در این دانشگاه ها تحصیل می کنند. طی سال های اخیر 100 مرکز آموزش عالی در امارات متحده عربی تاسیس شده و هزاران دانشجوی جذب کرده است و این در حالی است که از بین این تعداد مرکز آموزشی فقط برنامه های درسی 10 دانشگاه به تصویب رسیده و مدارک تحصیلی آنها معتبر است. ضمن اینکه هنوز برنامه درسی 14 دانشگاه فعال در امارات

عربي متحده به تاييد وزارت علوم و تحقيقات امارات نرسیده اما اعتبار آنها از سوي وزارت علوم ، تحقيقات و فناوري کشور ما به رسمیت شناخته شده است.

براساس آخرين آمارها نزديك به سه هزار دانشجوي ايراني در مقاطع مختلف تحصيلي در دانشگاههاي امارات تحصيل مي کنند اگر متوسط هزينه ساليانه ، هزينه اقامت و ساير هزينه هاي جنبي براي هر دانشجو 20 هزار دلار در نظر گرفته شود ساليانه حدود 60 ميليون دلار ارز صرفا براي ادامه تحصيل در امارات، از کشور خارج مي شود.

همچنين براساس اعلام مسئولان شيخ نشين شارجه براي تاسيس دانشگاه شارجه که در يك مجموعه بسيار وسيع و زيبا ايجاد شده است تنها 100 تا 140 ميليون دلار سرمايه گذاري شده است که سرمايه گذاري ماندگار و مایه افتخار آنان محسوب مي شود.

دانشجوي ايراني ، هدف دانشگاههاي خارجي

يکي از بازارهاي مهم هدف اين قبيل دانشگاهها دانشجويان ايراني است و ناهماهنگي و نبود سياستگذاري در زمينه پذيرش دانشجو حتي با پرداخت پول از سوي وزارت علوم نيز بر اوج گيري اين استقبال افزوده است ، به طوري که دانشگاههاي کانادا، استراليا و نيوزلند به موضوع جذب دانشجوي خارجي براي کسب درآمد اهتمام جدي دارند. همه ساله دانشگاههاي کانادايي و استراليايي با حضور در نمايشگاه اختصاصي دانشگاهها در شهرهاي امارات، با ارزيابي مدارک تحصيلي داوطلبان در محل نمايشگاه مبادرت به پذيرش دانشجو مي کنند. دولت استراليا به درآمد حداقل 500 ميليون دلار از محل پذيرش دانشجوي خارجي را در دستور کار خود قرار داده است در صورتي که درآمد آمريکا از محل جذب دانشجوي خارجي قريب به 12 ميليارد دلار برآورد شده است اين رقم در رديف پنجم درآمد از محل صدور خدمات از سوي آمريکا قرار دارد.

برخي کارشناسان آموزش عالي معتقدند با توجه به آمار و ارقام خروج از کشور بايد طريق راه اندازي کالج ها و دانشگاههاي بين المللي در مناطق آزاد مانع خروج جوانان از کشور مي شود. يك مقام سياسي ايران در کشور امارات عربي متحده در خصوص وضعيت خروج دانشجويان ايراني مي گويد: هيچ کس مخالف رفت و آمد به خارج و تحصيل عالي نيست ، بخشي از جوانان ما مي توانند به خارج از کشور بروند و تحصيل کنند تا در مقياس ملي و بين المللي بتوانند نقش تخصصي خود را ايفا نمايند. اما اين روندي که از دو يا سه سال قبل در کشور به وجود آمده و هم اکنون به اوج خود رسیده است روندي کاملا مرموز و وحشتناک است. به عبارتي جوان هاي ما که امروز براي ادامه تحصيل به بسياري از کشورهاي اطراف مي روند، چندين عامل را خواهند باخت ؛ عمر خود ، سرمايه و منابع و فرهنگ و اخلاق شان را ، ضمن اينکه در مقابل دستاوردي نخواهند داشت مگر يك مدرک توخالي!

پرواز به سوي سرزمين روياها

براساس گزارش صندوق بين المللي پول ، ايران از نظر مهاجرت در بين 91 کشور در حال توسعه و توسعه نيافته جهان رتبه نخست را دارد به نحوي که ساليانه 150 تا 180 هزار تحصيلکرده از ايران خارج مي شوند.

جامعه شناسان معتقدند مهاجرت نخبگان پديده اي جهان شمول بسيار پيچيده و چنددين وجهي است که دلايل گوناگون اجتماعي اقتصادي علمي دارد. بنا بر اين بايد آن را با نگرشي پويا و فراگير تحليل و از هرگونه برخورد روبنايي و انتزاعي پرهيز کرد لذا مي توان افزايش هفت برابري پديده " فرار مغزها" طي چهار دهه اخير را در همين راستا قلمداد نمود.

آمار صندوق بين المللي پول و نتايج مطالعات در 61 کشور نشان دهنده اين است که افراد داراي تحصيلات عالي، بيشتري نرخ مهاجرت را دارند و جهت کلي اين حرکت نيز از سوي کشورهاي کمتر توسعه يافته به سمت کشورهای توسعه يافته به خصوص آمريکا بوده است. به عبارت ديگر در سال 1993 بيش از 37 درصد از اساتيد رشته هاي فني و مهندسي و نيز بيش از 25 درصد از استادان رشته رياضي ، آمار و علوم کامپيوتر در آمريکا خارجي بوده اند که اين آمار طي سالهاي اخير با رشد زيادي مواجهه بوده است.

بر اساس آمار ارايه شده از سوي بنياد علمي آمريکا ، در ميان مهاجران مقيم اين کشور پس از کشورهای هند و چين ، کشور ايران در رتبه سوم قرار دارد و به ترتيب از اين کشورها 228، 165 و 105 هزار نفر با تحصيلات عالي به آمريکا مهاجرت کرده اند و چنانچه به جمعيت اين سه کشور توجه شود ، رتبه نخست مهاجرت نخبگان به آمريکا را در جهان کشور ما از آن خود کرده است. همچنين بيش از 80 درصد برگزیدگان المپيادهاي علمي سالهاي اخير و اکثر رتبه هاي دورقمي کنکور جذب دانشگاههاي

خارجي و به ويژه آمريکا شده اند که بيشتر آنها انديشه بازگشت به کشور را ندارند ، ضمن اينکه 90 نفر از 125 استعدادهاي درخشان کشور يعني 72 درصد از کساني که در سالهاي اخير در المپيادهاي جهاني رتبه کسب کرده اند در حال حاضر در دانشگاههاي آمريکا تحصيل مي کنند که اميد به بازگشت شان به کشور حداکثر 3 درصد است.

## مهاجرت صلاحيت ها

" مهاجرت صلاحيت ها " عنوان تبيري است که يونسکو براي پديده فرار مغزها يا همان مهاجرت نخيگان به کار مي برد. در هر حال با توجه به تعابير گوناگوني همچون فرار، دفع يا صدور مغزها، مهاجرت اجباري نخيگان، شکار مغزها و ربودن استعدادها که براي اين پديده جهاني به کار مي رود بایستي اذعان داشت جذب استعدادهاي درخشان و چهره هاي شاخص علوم و فنون کشور به خارج پديده اي نيست که تنها در سالهاي اخير رخ داده باشد بلکه پديده اي است که جهان و به ويژه کشورهاي جنوب و در حال توسعه به طور جدي بيش از چهار دهه است که با آن مواجه هستند و در شرايط امروز جهان و تبديل شدن آن به دهکده جهاني و عصر فراتکنولوژي و جهان ارتباطات و اطلاعات شتاب به مراتب بيشتري به خود گرفته است. به گونه اي که هر ساله حدود يك ميليون دانشجو در جست و جوي تحصيلات عالي به ديگر کشورها هستند که در اين ميان بيشترين درخواست مربوط به کشور آمريکاست.

به اعتقاد کارشناسان علوم مختلف دانشگاهي، پس از بيروزي انقلاب اسلامي روند مهاجرت به خارج در گستره وسيعي برعکس شد به نحوي که بسياري از دانشجويان دوره هاي تحصيلات تکميلي به اميد مشارکت واقعي در برنامه ها و عرصه هاي سازندگي کشور، بازگشتند اما اين وضعيت غرور آفرين به دلايل متعدد ديري نپاييد و در خلال جنگ تحميلي و به ويژه پس از آن مهاجرت نخيگان از کشور روند وسيع تري به خود گرفت که متاسفانه اين امر در سالهاي اخير رشد تکان دهنده اي داشته است.

در عين حال جامعه شناسان علوم اجتماعي معتقدند پديده مهاجرت في نفسه امر مذموم و ناپسندي نيست چرا که نگاه درست به آن و بهره گيري شايسته از توانايي هاي مغزهايي که صادر مي شود مي تواند دستاوردها و منافع فراواني براي کشور در پي داشته باشد ، بنابراین هم فرصت و هم تهديد محسوب مي شود. زيرا مهاجرت بين المللي نخيگان با توجه به شرايطي که امروز بر جهان حاکم است امري گريز ناپذير بوده و مي تواند در انتقال دانش فني ، انتقال و تبادل دستاوردهاي ارزشمند علمي و فرهنگي و تجارب گران سنگ ملل و جوامع بشري مفيد واقع شود. البته با توجه به نوع مهاجرت يا دفع مغز در کشور يعني مهاجرت يك سويه و بيمارگونه ، اين نوع مهاجرت در واقع فاجعه و ضايعه ملي است که کشور را از شمار عظيمي از بهترين سرمايه هاي خود محروم مي کند. در حقيقت کم توجهي به علم و دانايي موجب شده کشورهاي مهاجرپذير به سهولت و سرعت و با صرف کمترین هزينه مغزهاي ما را تصاحب کنند.

## ترکيه هم به تکاپو افتاد

ترکيه هم به جمع کشورهايي پيوسته که در صدد جذب نخيگان کشورهاي در حال توسعه هستند، هر چند خود اين کشور نیز نمي تواند در رديف جوامعي قرار گيرد که خود را به عنوان کشور توسعه یافته علمي تلقي کند اما براي عقب نماندن از قافله جذب نخيگان علمي ديگر کشورها، تلاش هايي را آغاز کرده وتوانسته نسبت به جذب دانشجويان ايراني نیز گامهاي بردارد.

البته بايد اذعان داشت زمينه هاي جذب نخيگان علمي کشورهاي در حال توسعه زماني به ذهن مسنولان و روساي دانشگاههاي کشور ترکيه رسيد که آن حادثه ناگوار در آمريکا به وقوع پيوست. به طوري که تعدادي از دانشگاههاي ترکيه بعد از حادثه 11 سپتامبر آمريکا با تهيه طرحي مشترک در صدد جذب آن دسته از دانشجويان کشورهاي مسلمان بر آمدند که شانس تحصيل آنها در کشورهاي غربي کاهش یافته بود. در آن زمان اين طرح توسط چهار دانشگاه " اورتادغو"، "غازي"، "انکارا" و "حاجت تپه" تهيه و به نخست وزير ارايه شد. در اين طرح اطلاعاتي از کشورهاي مورد نظر براي جذب دانشجو توسط نمايندگي هاي ترکيه در اين کشورها و معرفي امکانات تحصيلي ترکيه به کشورهاي مذکور از جمله اين پيشنهادها بوده است. همچنين در اين طرح پيش بيني شده بود دفترچه هاي راهنما در مورد امکانات و مزايای تحصيل در ترکيه براي انتشار در کشورهاي مورد مطالعه تهيه شود .

در همان ايام حدود 15 هزار دانشجوي خارجي از کشورهای ايران، پاکستان، عربستان، اردن، کويت، لبنان، سوریه، بحرين، کنيا، مصر، غنا، نيجريه و ديگر کشورهای مسلمان دنيا در ترکيه به تحصيل اشغال داشته اند . به اعتقاد يکي از روساي دانشگاههاي ترکيه جذب دانشجو علاوه بر اينکه به اقتصاد اين کشور کمک مي کند ، در دراز مدت زيرساخت مهمي براي توسعه و تحکيم روابط خارجي ترکيه در زمينه هاي سياسي ، اقتصادي، فرهنگي ، اجتماعي و... با ديگر کشورها خواهد بود.

بنابر آمار سازمان آموزش عالی ترکیه از سال 92-93 میلادی تا سال تحصیلی 2000-2001 در مجموع 25 هزار و 265 دانشجوی خارجی در این کشور تحصیل کرده اند. همچنین در آزمون ویژه دانشجویان خارجی سال تحصیلی 2001-2002 ترکیه در مجموع هزار و 200 نفر دانشجوی خارجی برای تحصیل در مراکز آموزش عالی ترکیه پذیرفته شدند.

بنابر گزارش سازمان آموزش عالی ترکیه ، استقبال جوانان ایرانی از تحصیل در دانشگاههای ترکیه در دهه 80 چشمگیر بوده است اما در سالهای اخیر به دلیل گرانی و بالا بودن هزینه های اقامت در ترکیه ، به طور محسوس از این تقاضا کاسته شده است. در عین حال حدود 500 دانشجوی ایرانی طی سال 80 در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاههای این کشور به تحصیل مشغول بوده اند.

فاجعه یا ضایعه، نخبگان می روند!

در هر حال حاصل دسترنج و زحمت و تلاش فشرده از افراد خون دل خورده این کشور هر سال از کشور خارج می شوند، بنابراین هیچ فرقی نمی کند چه عنوانی برای این پدیده در نظر بگیریم زیرا هرچه را که نام بگذاریم این حرکت سیر صعودی خودش را در پیش گرفته و مدام نیز بر تعداد افراد علاقه مند به تحصیل در کشورهای در حال توسعه افزوده می شود. علاوه بر این آنچه بیش از پیش موجب نگرانی و استرس ناشی از خروج بی رویه نخبگان علمی کشور شده است، عدم بازگشت همه افرادی است که از کشور خارج می شوند. لذا چه فرقی می کند نام این پدیده را فاجعه بگذاریم یا ضایعه بنامیم و یا اینکه آن را يك ميل عمومي تلقي كنيم . مهم این است که مسئولان وزارت علوم در وهله اول به عنوان متولی و دیگر مسئولان کشور هیچ برنامه و طرحی برای مقابله با پیامدهای منفی این پدیده ندارند. مغزهایی که باید در خدمت کشورشان قرار بگیرند تا بتوان مراحل رشد و توسعه یافتگی را با سرعت هرچه بیشتر طی کنند و جامعه را به سوی تحقق آرزوهای بالقوه به بالفعل رهنمون سازند ، زیرا همواره اخبار و اطلاعاتی که از آن سوی مرزهای جغرافیایی به گوش می رسد و بعضا رسانه های داخلی و خارجی به آن می پردازند حکایت از موفقیت نخبگان علمی ایران در همه زمینه های مختلف علوم دارد و موجب مباهات و فخر کشورمان می گردد اما اگر کمی دقیق شویم متوجه خواهیم شد در این بین سهم ایران فقط نام ایران است که به زبان رانده می شود و منافع و عواید این موفقیت ها به کشوری تعلق می گیرد که توانسته نخبگان علمی ما را به هر طریق ممکن جذب مراکز علمی و دانشگاهی خود نماید.